

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی تاریخچه ظهور و گسترش ادبیات پایداری در ایران و روسیه

مهناز نوروزی

استادیار گروه زبان روسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی

Email: mah.norouzi@atu.ac.ir

چکیده

ادبیات پایداری یکی از مهم‌ترین جریان‌های ادبی معاصر است که ریشه در وقایع تاریخی هر ملت دارد. گرچه ویژگی‌های صورتی و محتوایی آثار پایداری در جهان تفاوت‌ها و شباهت‌هایی ناگزیر دارند، اما بی‌شک همگی از تجربه‌ای مشترک به نام جنگ برآمده‌اند. در پژوهش حاضر به روش قیاسی-استدلالی و با ارائه دورنمایی کلی از ادبیات پایداری در ایران و روسیه به مقایسه نقش و موضع‌گیری این دو کشور در مواجهه با پدیده جنگ می‌پردازیم. ادبیات پایداری در ایران بیشتر بر جنبه دینی و در روسیه بیشتر بر وطن‌پرستی تأکید دارد. وقوع انقلاب‌ها و جنگ‌ها در هر دو کشور تأثیر شگرفی بر جریان‌های ادبیات پایداری داشته‌اند.

کلمات کلیدی: ادبیات جنگ، ادبیات پایداری، ایران، روسیه، تاریخ معاصر

۱. مقدمه

امروزه یکی از موضوعات اصلی ادبیات منظوم و منثور در سراسر جهان موضوع جنگ و پایداری است. به عبارتی حس جنگ‌افروزی یا مقاومت و جنگ‌ستیزی همواره در نهاد بشر بوده و او به‌ناچار برای حفظ بقا و نسل خویش تن به جنگ می‌داده است. با نگاهی به تاریخ ملل به‌روشنی می‌توان دریافت که بخشی از تاریخ و فرهنگ هر ملتی در نبرد و ستیز و مقاومت سپری شده و از سویی، ارتباط جامعه و ادبیات امری بدیهی و همیشگی بوده و این جریان به آثار ادبی نیز راه پیدا کرده و به مرور زمان به شاخه‌ای سترگ در ادبیات تبدیل شده است. بنابراین، انعکاس تغییرات فرهنگی و اجتماعی ملت‌های گوناگون، چه مهاجم و چه مدافع و آنچه از سر ایشان گذشته است، از دیرباز موجب خلق شاهکارهای ادبی بی‌نظیر درباره جنگ‌ها و مسائل پیرامون آنها گردیده است. نمونه‌های برجسته ادبیات جنگ را در ادبیات حماسی از «ایلیاد» و «اودیسه» هومر در ادبیات یونان باستان و «شاهنامه» فردوسی در ادبیات کهن فارسی گرفته تا رمان‌های برجسته در ادبیات جهان از قبیل «جنگ و صلح» اثر لِف تالستوی، «زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند» نوشته ارنست همینگوی، «نشان سرخ دلیری» از استیفن کرین، «بربادرفته» اثر مارگارت میچل، «دکتر ژیاگو» اثر باریس پاسترناک، «باران سیاه» از نویسنده نامدار ژاپنی ماسوجی ایبوسه، «بادبادک باز» نوشته خالد حسینی، «در غرب خبری نیست» اثر اریش ماریا رمارک و بسیاری دیگر می‌توان مشاهده کرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تاکنون تعریف جامع و واحدی از ادبیات پایداری ارائه نشده است و به نظر عده‌ای ادبیات جنگ زیرمجموعه ادبیات پایداری است و به عقیده بسیاری ادبیات پایداری بخشی از ادبیات جنگ و زیرمجموعه آن به‌شمار می‌آید، چرا که تا جنگی درنگیرد مسئله مقاومت و پایداری در برابر تجاوز دشمن مفهوم نمی‌یابد. ما نیز در این پژوهش با همین رویکرد یعنی در نظر گرفتن ادبیات پایداری به‌عنوان مؤلفه مهم و ناگزیر جنگ به بررسی تاریخچه ظهور و گسترش آن در دو کشور ایران و روسیه و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها خواهیم پرداخت. تعاریف موجود از ادبیات پایداری بسته به اندیشه و ایدئولوژی افراد و رویکرد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع متفاوت است. رشادت‌ها و قهرمانی‌های سربازان در یک جبهه از دید دولت خودش، می‌تواند جنایت‌هایی هولناک از دید دیگر ملت‌ها تلقی شود، مانند سربازان آمریکایی در جنگ ویتنام یا سربازان فرانسوی در جنگ الجزایر. رنگ‌وبوی ادبیات جنگ در کشوری شکست‌خورده با رنگ‌وبوی ادبیات جنگ در کشوری فاتح بسیار تفاوت دارد و تنها نزد برخی ملت‌ها بیان واقعیت‌های پیرامون مقاومت و پایداری بر بیان مسائل مربوط به جنگ و عواقب آن پیشی می‌گیرد. ادبیات پایداری «تلاش‌های یک نسل مبارز را که برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنت‌های خود از چنگال تجاوزگران به حریم ارزش‌های ملی و انسانی به پا خاسته است، برای همگان در بیان فحیم ادبی ترسیم می‌کند. سرشت انسان عدالت‌خواه و آزادی‌طلب، بدی را بر نمی‌تابد، از این رو ناسازگاری خود را با بیداد و ناروا، به اشکال مختلفی چون اعتراض، ستیزه‌گری، رویارویی و مقابله نشان می‌دهد» [۱۲، ص ۴۶]. بهترین تعریفی که می‌توان از ادبیات مقاومت (پایداری) ارائه داد، چنین است: «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند، به‌وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» [۳، ص ۲۶]. بدین‌روی، ادبیات پایداری، ادبیاتی جهانی، پویا و زنده است؛ با توجه به شرایط مکانی و زمانی تغییر می‌کند و سعی دارد تمام جنبه‌های یک جنگ یا انقلاب را پوشش دهد تا بتواند در راستای اهدافی که دارد، تأثیرگذار باشد.

با توجه به آنچه گفته شد و مبتنی بر روش قیاسی-استدلالی بر آن شدیم تا با نگاهی دقیق‌تر و عمیق‌تر به بررسی مفهوم ادبیات پایداری و چگونگی راه‌یافتن آن به ادبیات فارسی و روسی بپردازیم. ادبیات پایداری را شاید بتوان ادبیات همه ملت‌ها نامید که مؤلفه‌ها و مضامین آنها ممکن است تفاوت‌هایی را در آنها ایجاد کند، اما با توجه به اینکه هدف و عوامل شکل‌گیری این نوع از ادبیات در بین اکثر ملت‌ها مشترک است، بدیهی است که در این زمینه شاهد همانندی‌های زیادی میان ادبیات ملت‌های گوناگون باشیم و همین امر راه را برای انجام پژوهش‌های تطبیقی میان ادب پایداری ملل هموار می‌نماید.

لازم به ذکر است که بنا بر تحقیقات نگارنده، تاکنون پژوهشی با این مضمون و با رویکرد تطبیقی در ادبیات فارسی و روسی صورت نگرفته است. بسیاری از آثار نثر داستانی روسی که در ایران ترجمه شده و خوانندگان زیادی هم دارند، به موضوع جنگ پرداخته‌اند، اما هیچ‌گاه در ایران جز تعداد اندکی از این آثار از دیدگاه ادبیات جنگ مورد توجه نبوده و بیشتر این آثار براساس میزان شهرت نویسندگان آنها و موضوعاتی غیر از جنگ پرفروش شده‌اند و تاریخچه ظهور و گسترش ادبیات جنگ روسی برای خوانندگان ایرانی ناآشناست. همچنین ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که ادبیات پایداری نزد ما «ادبیات دفاع مقدس» و نزد روس‌ها همان «ادبیات جنگ» و گاه «ادبیات جنگ میهنی» نامیده می‌شود. ضمن این پژوهش با تأکید بر روند گسترش ادب پایداری در نظم و نثر روسی مشخص می‌گردد که نقش و موضع‌گیری کشور روسیه در مواجهه با پدیده جنگ چه بوده و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در این زمینه با کشور ما دارد. پیش از ورود به مبحث اصلی لازم دانستیم تا در ادامه ابتدا دورنمایی کلی از ادبیات پایداری و ویژگی‌های آن ارائه دهیم.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲. نگاهی بر ویژگی‌های صوری و محتوایی ادبیات پایداری

با نگاهی به آثار ادب پایداری در جهان به‌روشنی می‌توان دریافت که معمولاً مضامین و مؤلفه‌های مشترک زیادی در این آثار فرای تفاوت‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی و غیره وجود دارند، چرا که جنگ پدیده‌ای جمعی و تجربه‌ای مشترک میان انسان‌هاست. دیدگاه غالی شگری دربارهٔ ادبیات مقاومت را می‌توان به این موضوع تعمیم داد که «ادب پایداری چهرهٔ انسانی عامی دارد که این چهره وقتی در شکل‌های مختلف تضادهای زندگی انسان ترسیم می‌شود، در هیچ قالب ملی یا چهارچوب اجتماعی خاص نمی‌گنجد و این را یکی از جنبه‌های مهم این‌گونه آثار ادبی می‌پندارد» [۸، ص ۳۹].

به‌طور کلی، آثاری در زمرهٔ ادبیات پایداری قرار می‌گیرند که تحت شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی، فردی و غیره شکل گرفته باشند. بنابراین، درون‌مایهٔ این آثار همانا مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همهٔ حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر تمام جریان‌های ضد آزادی است [۱۳، ص ۴۵]. زندگی اجتماعی بشر در هر نقطه از این کرهٔ خاکی با وقوع درگیری‌ها و جنگ‌ها نابسامانی‌های بی‌شماری را تجربه خواهد کرد، حتی اگر ملتی کیلومترها دور از آتش جنگ باشد. درست مانند سنگ کوچکی که در برکه‌ای انداخته می‌شود و موج آن تمامی سکون و آرامش برکه را برهم می‌ریزد. این موج، ناآرامی نویسندگان را برمی‌انگیزد تا برای نمایش پلیدی‌ها و زشتی‌های جنگ و برحذر داشتن نوع بشر از جنگ‌افروزی دست به قلم برده و موضوع جنگ را از زوایای مختلف به‌تصویر بکشند. به بیانی دیگر «به تعداد آدم‌هایی که در تجربهٔ جنگ حضور داشته‌اند و می‌توانستند حضور داشته باشند، تجربهٔ روایت و درک از جنگ وجود دارد. این امر به مثابهٔ پذیرش تکثر روایت‌های داستانی از جنگ است» [۱۱، ص ۱۱].

آنچه مسلم است، رویکردها به مقولهٔ جنگ و تبعات آن، با توجه به اینکه نگارندگان این آثار در کشور آغازگر جنگ زیسته‌اند یا کشوری که به آن تجاوز شده است، می‌توانند متفاوت باشند. چنانکه ادبیات مربوط به جنگ ایران و عراق در کشور ما به ادبیات «دفاع مقدس» شهره است که بیشتر بر جنبهٔ دینی آن تأکید دارد، حال آنکه ادبیات جنگ روسیه مربوط به جنگ میهنی ۱۸۱۲ یا جنگ جهانی دوم بیشتر بر جنبهٔ وطن‌پرستی و میهن‌دوستی متمرکز گردیده است. بنابراین، هنگام مطالعهٔ آثار جنگ و پایداری باید تأثیر این عامل را در بازنمودهای پایداری مدنظر قرار داد.

از سویی دیگر معمولاً آثار برجستهٔ ادبیات جنگ در جهان آنهایی هستند که علاوه بر موضوع جنگ دیگر مضامین و وجوه زندگی بشری از جمله مضامین اخلاقی، عاشقانه، فلسفی، روانشناختی، اجتماعی و غیره را نیز به‌تصویر کشیده‌اند؛ آثاری مانند «وداع با اسلحه» و «ناقوس‌ها برای که به صدا درمی‌آیند» نوشتهٔ ارنست همینگوی، «قطار به مقصد می‌رسد» اثر هاینریش بل، «دیوار» اثر ژان پل سارتر، «دکتر ژیاگو» نوشتهٔ باریس پاسترناک، «جنگ و صلح» نوشتهٔ لِف تالستوی، «دُن آرام» نوشتهٔ میخائیل شولوخوف و بسیاری نمونه‌های دیگر [۱۹، ص ۱۱۰]. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پرتکرارترین مضامین در آثار ادبیات پایداری مضامینی همانند وطن‌پرستی و میهن‌دوستی، دعوت به مبارزه، مقاومت آشکار یا پنهان علیه دشمن، صلح‌جویی، ترسیم اوضاع جنگ و تبعات پس از آن، اتحاد، ظلم‌ستیزی و در کشورهای اسلامی شهادت‌طلبی و ستایش شهیدان و آرمان‌هایشان هستند. از جملهٔ مؤلفه‌های پایداری هم می‌توان به زنان و حضور آنها در عرصه‌های مختلف جنگ و مبارزه، تربیت فرزندان مبارز در خانواده‌ها، حضور اقشار مختلف

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مردم و نقش آنها در پیروزی‌ها، دشمن در مقام غاصب و متجاوز - «دیگری»، تکریم بازماندگان، جانبازان و کشتگان جنگ و گاه پرداختن به خائنان در جبهه یا فرار سربازان از جبهه جنگ و اسارت اشاره کرد.

نکته قابل بحث دیگر، تمییز قائل شدن میان مؤلفه‌ها و مضامین عمومی یا جهان‌شمول و مضامین مخصوص هر ملت یا دوره تاریخی است. برخی مؤلفه‌ها مانند آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی، احترام به حقوق فردی و اجتماعی و پاس‌داشت ارزش‌های انسانی [۵، ص ۱۴]. جنبه عمومی دارند و در اکثر آثار ادب‌پایداری دیده می‌شوند. اما، برخی مؤلفه‌ها هستند که به اقتضای موقعیتی که موجب پیدایش آنها گردیده یا به فراخور سنت‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی دینی در یک جامعه یا کشور شکل گرفته‌اند، دیگر جنبه عمومی نداشته و شاید فقط در ادبیات‌پایداری یک ملت و گاه فقط در یک دوره تاریخی خاص به چشم بخورند. برای نمونه، مؤلفه‌های ادب‌پایداری در آثار کهن فارسی مانند «شاهنامه» با مؤلفه‌های ادب‌پایداری در آثار دوران مشروطیت تفاوت دارد. اگر در آثار کهن، خردگرایی و بیگانه‌ستیزی بیشتر مورد توجه بوده است، در دوران مشروطه آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و تجددگرایی در مرکز توجه نگارندگان این آثار قرار داشته است. لذا وقوف نویسندگان بر مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دورانی که این آثار در بستر آنها آفریده می‌شوند، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

همچنین، آثار مربوط به ادبیات‌پایداری اغلب به‌همت افرادی نوشته شده‌اند که یا خود در جبهه‌های جنگ حضور داشته و با دشمن جنگیده‌اند یا حاصل کار افرادی است که خود هرگز در صحنه نبرد نبوده‌اند و با استفاده از صحبت‌های شاهدان عینی و رزمندگان و با استمداد از توانایی‌های خویش در امر نویسندگی به خلق این آثار اهتمام ورزیده‌اند. ماندگارترین آثار ادبی جهان، مستقیم یا غیرمستقیم با مقوله جنگ و پایداری در ارتباط بوده‌اند و این نوع از ادبیات هم توانسته است فرصتی برای بروز و ظهور مایه‌های ادبی یک ملت فراهم آورد. بنابراین، میزان استعداد و توانایی نویسندگان در به‌تصویرکشیدن مفاهیم و مضامین‌پایداری در آثارشان نیز عاملی مهم و تأثیرگذار در چگونگی نمایاندن مؤلفه‌ها و مضامین‌پایداری تلقی می‌گردد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که «خاطره‌نویس‌ها صرف‌نظر از ارزش‌سندی آنها، آثاری دارای تاریخ مصرف‌اند؛ زیرا در بیان روایت به رخداد‌های زمان و مکان خاصی می‌پردازند. از این رو، این نوع از آثار به قول برخی از منتقدان «در زمانی» اند و نه فرازمانی، حال آنکه آثار ادبی متعالی فرازمانی‌اند. جنگ و صلح و آثاری از این دست در تمام طول تاریخ خوانده خواهند شد، زیرا فاقد تاریخ مصرف‌اند و صرفاً براساس ثبت رخدادها و خاطره‌ها نیامده‌اند [۲۰، ص ۵۳].

با توجه به آنچه پیش‌تر آمد، ادبیات جنگ، ادبیاتی است که موضوع اصلی آن جنگ و عناصر و پیامدهای مرتبط با آن است. ادبیات جنگ هم شامل آثاری است که به‌طور مستقیم به توصیف جنگ از قبیل سربازان، وقایع و صحنه‌های نبرد، ادوات و ابزار جنگی، نقشه‌ها و فنون جنگی و غیره می‌پردازد و هم به‌طور غیرمستقیم مسائل مربوط به جنگ را مانند مهاجرت، خانواده سربازان و کشتگان، بمباران شهرها و روستاها، ترغیب افراد به حضور در جبهه‌ها، مسائل پشت جبهه و غیره مطرح می‌سازد [۱۷، ص ۱۰۰]. همچنین بررسی‌ها نشان داده است که آثار جنگ در ادبیات فارسی و روسی، سه دوره پیش از وقوع جنگ، هنگامه جنگ و دوران پس از پایان گرفتن آن که پیامدها و عواقب وقوع جنگ مانند آوارگی، مهاجرت و ترک وطن، قحطی، مرگ عزیزان، گم‌شدن افراد خانواده، بیماری‌های روانی، معلولیت و غیره را دربرمی‌گیرد، به نمایش می‌گذارند. البته برخی علاوه بر ادبیات‌پایداری، زیرمجموعه‌هایی را برای ادبیات جنگ در نظر می‌گیرند: ادبیات جبهه، بازداشتگاهی، اردوگاهی اسرا و مهاجران، اشغال یا مقاومت، ادبیات پشت جبهه، تبعید و غیره [۱۴، ص ۲۲ و ۱۷، ص ۱۰۴]. همچنین، آثاری نیز موسوم به آثار «ضد جنگ» هستند که با هر گونه جنگ‌طلبی و پدیده جنگ مخالفت می‌ورزند و در واقع آثاری با محتوای اعتراض به جنگ هستند و پس از جنگ جهانی دوم به‌وجود آمده‌اند و این آثار چه در کشور جنگ‌افروز به رشته تحریر درآمده باشند یا در کشور مدافع، همواره نگاهی بدبینانه و انتقادی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به جنگ دارند و با اصل جنگ مخالفاند و جویای دنیایی پر از صلح و آرامش‌اند. البته برخی از نویسندگان و منتقدان حوزه ادب پایداری با کاربرد لفظ «ادبیات ضد جنگ» مخالفاند و معتقدند که هر اثری که درباره جنگ نوشته شود به‌منظور نمایش زشتی‌ها و نادرست‌بودن آن است و نباید آثار پایداری را از این منظر تفکیک نمود. امروزه به‌ویژه در ادبیات پایداری ایران شاهد رونق خاطره‌نویسی‌ها از دوران جنگ و اسارت رزمندگان هستیم که معمولاً با استقبال خوبی از سوی خوانندگان هم مواجه هستند. آنچه مسلم است در همه انواع ادبی مانند شعر و داستان و رمان و نمایشنامه و غیره که با ادب پایداری پیوند دارند، موضوع جنگ و نمایش چهره پلید آن اصلی‌ترین موضوع است و در دوران مختلف تاریخی موضوعات مختلفی بدان افزوده شده است و هر روز که می‌گذرد این نوع از ادبیات به پختگی بیشتری می‌رسد و دامنه موضوعی آن گسترش می‌یابد. در ادامه، مروری بر تاریخچه ظهور و گسترش ادبیات پایداری در ایران و روسیه و جریان‌های شکل‌گرفته در این حوزه در شعر و نثر خواهیم داشت.

۳. تاریخچه ادبیات پایداری در ایران

گرچه ریشه‌های ادبیات پایداری در ایران پیشینه چندین هزارساله دارد و به دوران پیش از اسلام و متون دوره اشکانی مانند «یادگار زیران» - حماسه‌ای دینی که ویژگی اصلی آن مسئله دفاع از اعتقادات دینی و مذهبی در جامعه پهلوانی و حماسی است - بازمی‌گردد، اما امروزه بیش از هر زمان دیگر اصطلاح ادبیات پایداری در فضای فرهنگی کشور به کار گرفته می‌شود. در رسانه‌ها اغلب اخبار مربوط به حوزه ادبیات دفاع مقدس و جنگ در زمینه نشر کتاب و برگزاری نشست‌ها و همایش‌های متعدد از سوی نهادهای مختلف آموزشی و پژوهشی مطرح می‌شوند و برگزاری مستمر کنگره دوسالانه ادبیات پایداری و نیز، راه‌اندازی مجله علمی-پژوهشی ادبیات پایداری در دانشگاه کرمان، نشان از حضور ادبیات پایداری در عصر حاضر دارد.

در دوران بعد از ظهور اسلام نیز اولین نمونه‌های رسمی ادبیات پایداری را در قالب ادبیات عامیانه و در جریان حماسه‌سرایی می‌توان دید. حماسه در میان انواع ادبی بیشترین کاربرد را در حوزه ادبیات پایداری دارد و از سویی دیگر، ادبیات پایداری همواره رنگ و بویی از حماسه را در خود جای می‌دهد. در ادوار مختلف تاریخی در ایران و به‌هنگام غلبه احساسات ملی، آثاری مانند شاهنامه‌ها خلق شده‌اند [۱۶، صص ۳۸-۳۹] که نمونه بارز آن «شاهنامه» حکیم توس است و این اثر به‌ویژه در بخش اساطیری و پهلوانی واجد داستان‌های حماسی است. همچنین باید به نوع دیگری از ادبیات پایداری با عنوان حبسیه یا زندان‌نوشت نیز اشاره کرد. این نوع اشعار را می‌توان در شعرهای مسعود سعد سلمان، خاقانی و ملک‌الشعرای بهار مشاهده کرد. شاهنامه فردوسی اوج کمال آثار حماسی و داستانی است که در اواخر سده چهارم سروده شده یا نگارش آن آغاز گردیده است. از منظومه‌های حماسی ملی پس از شاهنامه می‌توان «گرشاسب‌نامه» اسدی طوسی (حکیم ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی) را نام برد که درباره حوادث زندگی و شرح جنگ‌های گرشاسب، جد بزرگ رستم است. میراث ادبی فردوسی به ناصر خسرو رسیده و از آن پس تا دوره بیداری و مشروطه‌خواهی، شاعر یا نویسنده‌ای که بتوان به او شاعر یا نویسنده ادب پایداری لقب داد در قلمرو زبان و ادب فارسی ظهور نکرده است [۵، ص ۲۹].

بیداری ایرانیان و قیام عمومی برضد سلطنت مطلقه و دخالت اجانب، زاییده عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فکری و همچنین زنجیره‌ای از علل و عوامل شتاب‌دهنده موضعی و مقطعی بوده که سرانجام در دوره مظفرالدین‌شاه به اوج خود می‌رسد و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در قالب نهضت مشروطه‌خواهی تجلی می‌یابد. مشروطه ایرانی با آنکه به لحاظ تئوریک ابتر و عقیم بود، منشأ بسیاری از تحولات در همه شئون حیات از جمله شعر و ادبیات گردید. ورود مفاهیم سیاسی-اجتماعی مدرن؛ نظیر وطن در معنای امروزی، قانون، آزادی، مجلس و مانند آنها موجب دگرگونی عمیق در مضامین و به تبع آن، تطوّر شئون حیات فردی و اجتماعی ایرانیان و نهایتاً تغییر قالب شعر فارسی گردید. مقارن همین ایام نخستین داستان‌های مدرن فارسی نیز به نگارش درآمدند.

ادبیات و شعر مشروطه را می‌توان مصداق واقعی و دقیق ادبیات پایداری تلقی کرد. بدین صورت که مبارزه با استبداد، وطن‌خواهی، استعمارستیزی، عدالت‌طلبی و غیره در اشکال گوناگون آن در شعر شاعران مشروطه‌خواه، از ادیب‌الممالک فراهانی تا فرخی، عشقی، عارف، نسیم، لاهوتی و دیگران بازتاب یافته است. زندگی و شعر شاعران این دوران مشحون از جلوه‌های بدیع مقاومت و پایداری، و ترور و تبعید و حبس و حصر، تقدیر مشترک ایشان است. بهر روی، اهمیت ادبیات مقاومت مشروطه تا جایی است که سرچشمه همه گرایش‌های ادبیات پایداری را در ادوار بعد، باید در ادبیات مشروطیت جستجو کرد. ادبیات پایداری چپ و مارکسیستی ریشه در اشعار دهقانی و کارگری این دوران دارند و ادبیات پایداری ناسیونالیستی نیز با برداشت متجددانه و مدرن از مفهوم ملت و وطن در شعر شاعران مشروطه‌خواه آغاز شده است. ادبیات چپ‌گرایانه که با نغمه‌های کارگری و دهقانی امثال فرخی و لاهوتی آغاز شده بود در سمبولیسم اجتماعی نیما، کسرایی، شاملو و دیگران ادامه می‌یابد [۱۵، ص ۲۰۶].

جریان‌های ادبیات پایداری ایران بین دو انقلاب یعنی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، همه تحت تأثیر ادبیات مقاومت نهضت مشروطیت هستند. پس می‌توان با این نظر موافق بود که «ادبیات پایداری به مفهوم واقعی و نوین آن در کشور، از عصر مشروطه و جنگ جهانی اول، متأثر از گرایش‌های ملی و میهنی به وجود آمده است. در شعر این دوران، موضوع پایداری در برابر ظلم و بیداد، ناآگاهی و استبداد، آلودگی صاحب‌منصبان و طمع همسایگان بسیار دیده می‌شود» [۱، ص ۱۲۷]. جریان ادبیات پایداری اسلامی، اندک‌اندک بعد از سال ۱۳۴۲ شمسی شکل می‌گیرد و در سال‌های پایانی انقلاب به اوج خود می‌رسد. جریان شعر مقاومت ملی نیز که از وطنیّت و جهان‌وطنی اسلامی امثال ادیب آغاز شده و در شعر عارف و عشقی و دیگران با نگاه جدید به مفهوم وطن و ملت درآمیخته بود، در شعر اخوان با چاشنی مختصری از سوسیالیسم ایران باستانی، به کمال هنری خود می‌رسد؛ اما، جریان ادبیات مقاومت اسلامی، مدتی به محاق می‌رود و در آستانه انقلاب اسلامی، تحت تأثیر تعالیم علی شریعتی و مبارزات امام خمینی (ره) دوباره اوج می‌گیرد و در نیمه نخست دهه شصت، انبوهی از مجموعه اشعار، داستان‌ها و نمایشنامه‌های مقاومت با گرایش اسلامی تولید می‌شود که امروز آنها را با نام «ادبیات انقلاب اسلامی» می‌شناسیم [۵، ص ۶]. به عبارتی، وقوع انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن، هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق، زمینه‌ای برای گسترش هرچه بیشتر ادبیات پایداری فراهم می‌آورد.

می‌بینیم که پس از انقلاب اسلامی در اندک زمانی ادبیات انقلاب اسلامی به «ادبیات دفاع مقدس» تحویل می‌شود که تاکنون سه دوره آغاز جنگ، طول جنگ و پس از جنگ را با مؤلفه‌هایی ویژه از سر گذرانیده است. از آنجا که بین انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی فاصله زمانی چندانی وجود ندارد، بنابراین، به زحمت می‌توان آثار ادبیات پایداری این دو دوره را از یکدیگر جدا کرد و این امر هم در ادبیات منظوم و هم منثور مصداق دارد. بدین ترتیب، ادبیات منظوم و منثور انقلاب اسلامی در مدتی کوتاه - با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ شمسی - به شعر و داستان دفاع مقدس تحویل شده، ادبیات پایداری ایران در کسوتی جدید به حیات خود ادامه می‌دهد. دوران طولانی دفاع مقدس با انعکاس فضیلت‌های انسانی در گفتار و رفتار و اندیشه رزمندگان همراه است. فضیلت‌هایی که با تکیه بر پشتوانه‌های فرهنگ ملی و دینی در قالب نوع دوستی، میهن‌خواهی، شهادت‌طلبی، ایثارگری، ستم‌ستیزی و سلوک عرفانی تجلی می‌یابد و طی هشت سال استقامت - در مفهوم قرآنی کلمه - در برابر مصائب و شدايد جنگ؛ نظیر ویرانی، آوارگی، اسارت، جانبازی، شهادت و تبعات آن، آثار و ارزش‌هایی را به یادگار می‌گذارد که پاسداری از این میراث گران‌قدر تا پایان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تاریخ، رسالت ابدی شاعران و نویسندگان متعهد خواهد بود و به انجام رساندن آن، چراغ ادبیات پایداری را در این سرزمین همواره روشن نگاه خواهد داشت.

شعرهایی با مضامین تکریم دوست و تحقیر دشمن و تقویت روحیه مذهبی و ملی به منظور حفظ وطن و انقلاب که به لحاظ زمانی، حفاصل بین شروع تجاوز دشمن تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را دربرمی گیرد، شعر جنگ یا پایداری نامیده می شود. شعر پایداری یکی از مهم ترین جریان های ادبی دوره صدساله معاصر ایران است و شاعران پرآوازه و مخاطبان بسیار داشته است. همین گستردگی شاعران و مخاطبان با افکار و عقاید مختلف موجب ایجاد گرایش ها و جریان های متعددی در شعر پایداری عصر حاضر گردیده است که از آن جمله اند: شعر بیداری، اعتراض و کارگری دوران مشروطه، شعر چریکی، انتظار، شعر دفاع مقدس، بعد از دفاع مقدس، شعر انتفاضه و قدس، شعر آیینی و عاشورایی و غیره. یکی از بهترین تقسیم بندی های شعر پایداری معاصر ایران، تفکیک آن به دوران مشروطه، دوره انقلاب اسلامی و روزگار پس از آن است.

اشعار دوران مشروطه به دلیل ماهیت تاریخی و اجتماعی آن زمان، بیشتر محتوای سیاسی داشته و هدف از سرودن آنها، آگاهی بخشی به مردم و برانگیختن احساسات ملی و میهنی، ترویج آزادی های فردی و اجتماعی، پیکار با بیگانگان و آشنا کردن مردم به حقوق انسانی شان بوده است. نمونه بارز این اندیشه ها و اهداف را در شعر اعتراض این دوران می توان یافت که نوعی شعر متعهد بوده و با واقعیت های موجود در جامعه آن زمان اعم از انحرافات و بی عدالتی های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی و غیره به مبارزه برخاسته بود و هم به استبداد داخلی و هم به تجاوز بیگانگان اعتراض می نمود.

همزمان با مشروطه و غروب استبداد قاجاری، الگوی اقتصادی جامعه دچار دگرگونی شد و عده کثیری از اقشار کم درآمد به نیروی کارگری پیوستند. مهاجرت نیروی کارگر به ویژه به مراکز صنعتی روسیه تزاری و معدن نفت باکو زمینه را برای ورود اندیشه های سیاسی و عقاید رادیکال به ایران و در نتیجه، شکل گیری جنبش کارگری در داخل ایران فراهم آورد. موضوع اصلی شعر کارگری ظلم به طبقه کارگر، اعتراض به نظام سرمایه داری، غرب ستیزی و شرق گرایی و دیگر مسائل مربوط به جامعه کارگری بود. بعد از دوره مشروطه و بر سر کار آمدن خاندان پهلوی، اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور بهبود نیافت و اشعار اعتراض، کارگری و چریکی در این دوران بیش از دیگر جریان ها جلوه گر شدند. خفقان سیاسی در دوران رضاشاه و استبدادی که از سوی محمدرضاشاه بدان دامن زده شد و سرانجام سرکوب نهضت ملی در سال ۱۳۳۲، باعث ایجاد فضای رعب و وحشت از یک سو و سرخوردگی و ناامیدی و مرگ اندیشی از سوی دیگر شد و بسیاری از شاعران و نویسندگان به نوعی رمزگویی و ابهام روی آوردند. اندیشه های اجتماعی جایگزین احساسات فردی شدند و مضامین مختلف بیشتر در قالب طنز و کنایه و با بیانی نمادین به کار گرفته می شدند. رفته رفته نفرت از سران خودکامه، ستمگران داخلی و مستکبران خارجی و ناامیدی بعد از کودتای ۲۸ مرداد منجر به ظهور مضامینی همچون دعوت به مبارزه و پایداری، یاد وطن و حفظ آن، آزادی خواهی و ظلم ستیزی و ترویج اندیشه ها و آرمان های امام خمینی (ره) گردید. ادبیات زیرزمینی در پی شدت گرفتن سانسورها از سوی حکومت رونق گرفت و محدود کردن مجراهای عمومی برای بیان دیدگاه های انتقادی کار را به تشکیل دو گروه عمده چریکی فدائیان خلق و مجاهدین خلق کشانید. شاعرانی چون خسرو گل سرخی، سیاوش کسرائی، ه. الف سایه یا شاملو از جمله افرادی بودند که دست به نشر اشعار چریکی می زدند. آنها خواستار عدالت در همه جنبه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بودند و مردم را به وطن دوستی، امیدواری و تلاش برای پیروزی و شرکت در قیام و مبارزه مسلحانه ترغیب می نمودند.

در شعر دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس علاوه بر مضامین گذشته مواردی مانند ستایش شهدا و رزمندگان و بازماندگان جنگ، بیان عوامل مؤثر بر پایداری و پیروزی رزمندگان اسلام، تلفیق عرفان و حماسه و یادکرد قهرمانان جنگ و امام خمینی (ره)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بسیار مورد توجه قرار گرفتند. در این میان اشعار حمید سبزواری که او را «پدر شعر انقلاب» نیز نامیده‌اند، محمدرضا عبدالملکیان، سلمان هراتی و دیگران نمونه‌های شایان توجهی به‌شمار می‌روند. از جریان‌های مهم شعری انقلاب می‌توان به شعر اعتراض، قدس، انتظار، کارگری و آیینی اشاره کرد. در دوران بعد از دفاع مقدس، یعنی دوران تثبیت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز، مضامینی مانند حسرت جاماندن از شهدا، تنهایی، پاسداشت ارزش‌های جنگ و نظام اسلامی، حمایت از ولی فقیه، شرم از شهیدان، هوشیاری و پایداری در زمینه جنگ نرم، بیان مسائل روز جامعه و فتنه‌گری‌های دشمنان اسلام و ایران و غیره روی کار آمدند. نصرالله مردانی از جمله شاعران متعهد و آرمان‌گرای بود که نخستین محورهای شبکه ذهنی-زبانی شعر انقلاب را بنیان نهاد و جوایز زیادی هم در این زمینه کسب کرد.

یکی از شاعران بسیار مشهور شعر پایداری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، قیصر امین‌پور است «که در اوایل انقلاب، به سرایش اشعاری برای پاسداشت ارزش‌های انقلاب روی آورده بود و با شروع جنگ تحمیلی، با تیغ قلم، به ترغیب رزمندگان به نبرد و ایجاد انگیزه برای پایداری در برابر دشمن، می‌پرداخت. جنگ در اشعار وی موتیفی پربسامد است و این حماسه بی‌انتهای توصیفاتی در شعر او به‌دست می‌دهد؛ توصیفاتی بس عمیق و مهیج و پرشور. او که پیشوای شعر انقلابی است، مشهورترین شعر را درباره جنگ هشت‌ساله ایران و رژیم بعثی عراق سروده است. «شعری برای جنگ» که در آن، به توصیف دردها و تسلی همشهریان دزفولی خود می‌پردازد؛ مردمی که در برابر رژیم بعثی، شجاعانه استقامت می‌کنند و تا پای جان می‌جنگند. ترسیمی که وی از مردم شهرش، در این شعر دارد، بسیار جانسوز و حزن‌انگیز است و با غم و عاطفه گره خورده است» [۹، صص ۱۲۳-۱۲۴].

شعر آیینی از مهم‌ترین و پرکاربردترین مضامین شعری در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و بعد از آن است که به مظلومیت و روحیه ظلم‌ستیزی ائمه اطهار (ع) و به‌ویژه امام حسین (ع) و آموزه‌های کربلا می‌پردازد و از این روی گاه به نام «شعر عاشورایی» نیز از آن یاد می‌شود. اما به‌طور کلی، هر مقوله شعری که صبغه دینی داشته و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد، در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد. قدمت شعر آیینی به قرن چهارم هجری بازمی‌گردد و نخستین شعر آیینی فارسی درباره واقعه کربلا سروده کسائی مروزی است. از دیگر شاعران ادبیات کهن فارسی که اشعار آیینی سروده‌اند می‌توان فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، خاقانی، نظامی، مولانا، سعدی، حافظ، اوحدی مراغه‌ای و غیره را نام برد. محتشم کاشانی از مشهورترین شاعران عصر صفوی است که او را «پدر مرثیه‌سرایی ایران» نام نهاده‌اند. ترکیب‌بند معروف او «باز این چه شورش است» هنوز هم در زمره بهترین اشعار در باب واقعه کربلا و امام حسین (ع) است. از جمله شاعران معاصر و نیز جوان در عرصه شعر آیینی می‌توان از قیصر امین‌پور، فاضل نظری، سید حسن حسینی، علیرضا قزوه، علی‌اکبر لطیفیان، عبدالجبار کاکایی، علیرضا بدیع، محمدعلی بهمنی، غلامرضا سازگار، اعظم سعادت‌مند، عاطفه جوشقانیان و بسیاری دیگر نام برد.

و اما در حوزه نثر، همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، ظهور نخستین داستان‌های معاصر فارسی در دوران مشروطه رخ داد. آثار منظوم از دیرباز جایگاه ویژه و یگانه‌ای در فرهنگ سنتی ایران داشته و همیشه پرچمدار هر جریان ادبی بوده است، اما آثار منثور هم در بازه‌هایی توانسته است نقشی مؤثر در جامعه ایفا نماید. «هرچند نثر نقش بسزایی در این دوره ایفا می‌کرد اما نظم به‌خاطر جایگاه یگانه‌اش در فرهنگ سنتی ایران، به‌عنوان اصلی‌ترین رسانه انقلابی عمل می‌کرد. هر دو قشر تحصیلکرده و بی‌سواد جامعه، به حفظ کردن اشعار عادت داشتند و بدین‌گونه می‌شد با چند بیت شعر، احساسات آنها را تحریک کرد و در مسیر دلخواه هدایت نمود» [۲۲، صص ۱۶۴-۱۶۵]. با توجه به اختناق موجود در جامعه آن زمان مضمون اعتراض در همه انواع ادبی از جمله نثر به‌چشم می‌خورد. روزنامه‌نگاری شکوفا می‌شود و نویسندگان به تقلید از شاعران به بیان مضامین پایداری در یادداشت‌های خویش همت می‌گمارند. آن زمان تأکید بیشتر بر بیان مضامینی از قبیل افشای ظلم و ستم حکومت خودکامه و سلطه آن بر ایران و ایرانی،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ضرورت مدرنیزه کردن تمام جوانب زندگی اجتماعی و غیره بود [۲۲، ص ۱۷۱]. باز هم به واسطه فضای اختناق آمیز سیاسی در آن دوران زبان داستان‌ها، نمایشنامه‌ها و سروده‌های این دوران زبانی نمادین است و آثار روشنفکران تحت تأثیر تفکرات مارکسیستی یا غربی در کنار نویسندگان و شاعران دینی بازنمود بی‌عدالتی جامعه هستند.

چنانچه می‌بینیم، آثار ابتدایی نثر فارسی در این دوران «کتاب احمد» یا «سفینه طالبی» و نیز «مسالك المحسنين» نوشته عبدالرحیم طالبوف، روشنفکر و نویسنده پیش از مشروطه و «شرح زندگانی من» نوشته عبدالله مستوفی، کتابی در سه مجلد و از منابع مهم در مطالعه دوران قاجار، خالی از عنصر پایداری نیستند. مروری بر تاریخچه شکل‌گیری و گسترش ادبیات داستانی معاصر فارسی نشان می‌دهد که نثر فارسی پس از قائم‌مقام فراهانی به اندازه‌ای ساده شد که توانست برای تغییر و تبدیل شدن به نثر داستانی در بهترین شرایط قرار گیرد. نقش سفرنامه‌های ایرانی و خارجی و عامل ترجمه آثار خارجی را نیز نباید در این مهم نادیده گرفت. اولین بازنمودهای ادبیات پایداری را در ادبیات داستانی فارسی در آثار ده ساله نیمه دوم دهه چهل و اوایل دهه پنجاه می‌توان مشاهده کرد که ریشه در قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ دارد. آنچه در آثار این دوران بیش از هر چیزی نمود یافته همانا همراه بودن فضای رمان‌ها و داستان‌ها با مبارزه و درگیری، شناخت دشمن و اثبات دست‌نشانده‌گری رژیم حاکم، قبض و بسط‌های سیاسی و رفتارهای شتابزده آمریکا در حمایت از رژیم حاکم و در کنار همه اینها، تقویت و حمایت از ساواک به عنوان عامل ایجاد امنیت منافع خارجی در ایران و سرکوب اخلاص‌گران داخلی و دشمنان رژیم حاکم است. نویسندگان در صف نیروهای سیاسی در جبهه‌ای واحد علیه دشمن متحد شده و قلم زدند. در آثار داستانی این دوران که بازه زمانی ده سال و اندی پیش از انقلاب را دربرمی‌گیرد، معمولاً فضایی سرشار از مبارزه پنهان و واکنش‌های گاه تند و علنی در برابر فشارها و سانسورها و اختناق حاکم و زندان‌ها به تصویر کشیده شده است. نویسندگان بیشتر به قالب داستان کوتاه روی آورده و تحت تأثیر ادبیات موفق جهان سوم، از جمله آمریکای لاتین، به سمت مضامینی چون مبارزه طلبی و احقاق حق رفتند و احساس پیوند با تمامی مظلومان و ستم‌کشیدگان و ترغیب آنان به مبارزه در این آثار جایگاه برجسته‌ای یافته‌اند [۲۱، صص ۲۷۶-۲۷۷].

در آثار نثر داستانی دوران انقلاب اسلامی و به فاصله‌ای اندک پس از آن، دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، شاهد تغییر مضامین و موضوعات در راستای انقلاب و جنگ متناسب با تغییر فضای جامعه هستیم. حتی در قالب صوری آثار ادبی تغییراتی آشکارا پدید آمده و نویسندگان واژگان جدید و ترکیبات تازه‌ای را در کلام خود به کار گرفتند، عنصر نماد و ابهام کم شده و استفاده از تلمیح، تضمین و اقتباس آیات قرآن و احادیث معصومین که تا پیش از آن چندان مجال نیافته بود، به طور گسترده نمایان می‌شود. ادبیات مقاومت ادبیاتی است پرتحرک، پویا و فریادگونه در خدمت اندیشه‌های سیاسی و در خدمت انسانیت، ادبیاتی واقع‌گرا که مایه آن از فرهنگ غنی اسلام است و عناصری چون عاشورا، جنگ، ایثار، شهادت و ... به این نوع ادبیات رنگی دیگر بخشیده بود» [۲، ص ۱۴]. بدین ترتیب، آثار داستانی رفته‌رفته به هویت جدید ایرانی دست می‌یابند و مضمون و محتوا دستخوش تغییرات زیادی می‌شوند. تیپ‌های جدیدی ظاهر شده و شخصیت و منزلت واقعی زنان تا حدی احیا می‌گردد. همچنین، در کمیت و کیفیت آثار داستانی تغییر حاصل شده و نام‌ها و عناوین جدید پدید می‌آیند. تیراژ رمان و داستان بلند و کوتاه به نسبت افزایش یافته و جنگ‌ها و نشریه‌های ادبی فراگیر می‌شوند. همه این عوامل را می‌توان به عنوان نقطه قوت ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی در نظر گرفت [۱۰، صص ۲۷-۲۸]. اما نقطه ضعف آثار این دوره را شاید در قلم ضعیف برخی نویسندگان نوقلم دید که هنوز به حد کافی حرفه‌ای نشده بودند و روبه‌رو شدن با موضوعات تازه و نداشتن تجربه کافی سبب گردیده بود تا برخی دچار سردرگمی شده و به دنبال بازخوانی ارزش‌های خود و جامعه در پی تغییر مؤلفه‌های اجتماع باشند که گاه به بیراهه رفته و آن‌طور که باید حق مطلب ادا نمی‌شد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در دوران جنگ تحمیلی ادبیات ابتدا راه خود را در اشعار آن دوران و سپس در نثر داستانی می‌گشاید. هر چند شعر به دلیل احساسات شدید و تلاش برای تهییج مردم و رزمندگان کاربرد بیشتری داشت، اما ادبیات داستانی هم گاه فرصت ظهور پیدا می‌کرد. نویسندگان دست به کار شدند. برخی خود از نزدیک شاهد وقایع جنگ بودند و برخی طعم تلخ بمباران‌ها و هراس‌های گاه و بی‌گاه را چشیده بودند. عده‌ای نیز می‌کوشیدند تا به خاطرات دیگران نقب زده و با الهام از آنها و آمیختن تخیلات خویش چهرهٔ پلید جنگ را نمایش دهند [۷، ص ۸۸]. از جملهٔ اولین داستان‌های حوزهٔ جنگ می‌توان به مجموعه‌های «دو چشم آبی بی‌سو» از محسن مخملباف و «شش تابلو» از عبدالحی شماسی و داستان بلند «آمین» از سیروس طاهباز در ۱۳۶۰ اشاره کرد. «در سال‌های بعد روند چاپ آثار متأثر از جنگ و تبعات آن شتاب گرفت و تا سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه در مجلات و مجموعهٔ داستان‌ها و ۴۶ رمان و داستان بلند انتشار یافت. تقریباً هیچ نویسنده‌ای نسبت به جنگ و پیامدهایش بی‌تفاوت نماند» [۱۸، ص ۸۸۹]. اولین رمان جنگ نیز «زمین سوخته» اثر احمد اعطاء (محمود) است که حاصل تجربهٔ شخصی نویسنده از حضور در جبهه و جنگ است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ بیش از ۲۵۸ نویسنده از زندگی روزانه در جبهه‌ها، عملیات نظامی، شکنجه در بازداشتگاه‌های دشمن، آشفته‌گی زندگی در مناطق غیرنظامی، جنگ شهرها و کشته‌ها و ویرانی‌ها، آوارگی مردم جنگ‌زده و تعارض‌های پدیدآمده میان مهاجران و مردم شهرهای مهاجرپذیر نوشته‌اند» [۱۸، ص ۸۸۹]. با فاصله‌گرفتن از آغاز جنگ و هر چه به اواخر جنگ نزدیک می‌شویم، آثار به‌نظر پخته‌تر شده و نویسندگان دیگر تجربهٔ کافی در زمینهٔ نگارش آثارشان در این حوزه را کسب کرده‌اند و دیگر خبری از آن شتابزدگی در نوشتار در هنگامهٔ آغازین جنگ نیست و شخصیت‌ها دیگر کاملاً سفید یا کاملاً سیاه نیستند.

بسیاری از نویسندگان ادبیات داستانی دفاع مقدس مانند محمدرضا سرشار، محمدرضا سنگری، کامران پارسی‌نژاد، فیروز زنوزی جلالی، بلقیس سلیمانی و ابراهیم حسن‌بیگی آن را به دو دورهٔ هنگام جنگ و پس از آن تقسیم می‌کنند. در دورهٔ اول آثار بیشتر احساسی و شعارزده بوده و سعی بر تهییج مردم برای ادامهٔ پایداری و مقاومت داشته‌اند. رزمندگان این آثار اغلب افرادی دلیر و غیور و شجاع بوده که دشمن خوار و زبون را به خاک ذلت می‌نشانند. بیشتر تیپ‌سازی مطرح بوده است تا شخصیت‌سازی و چندان توجهی به فنون داستان‌نویسی نمی‌شده است. در دورهٔ دوم اما تحولاتی در موضوع و محتوا و کاربرد فنون داستان‌نویسی رخ داده و نویسندگان تلاش می‌کردند در آثارشان گریزی به نابسامانی‌های بعد از جنگ و تبعات شوم آن بزنند و موضوعاتی را که پیش از آن در طول جنگ امکان بیان را نداشته‌اند، به کار ببندند و واقع‌گرایی به دور از تعصب‌ها و آرمان‌گرایی‌های افراطی را محور آثار خویش قرار دهند. نویسندگانی چون احمد دهقان، بلقیس سلیمانی، حبیب احمدزاده و احمد غلامی مباحثی از جنگ را مطرح کردند که پیش‌تر و در زمان جنگ امکان طرح آنها نبود. برخی نویسندگان همچون ابراهیم حسن‌بیگی و زهرا زواریان کوشیدند در کنار حفظ شاخصه‌های پیشین داستان‌نویسی جنگ، گریزی به نابسامانی‌های جنگ بزنند و نویسندگانی چون علی‌اصغر شیرزادی و بنی‌عامری نیز در ساختار داستان‌های جنگ تحولاتی پدید آوردند. به‌هرحال، داستان جنگ و دفاع مقدس طی سال‌های بعد از جنگ دچار تحولات وسیعی شد که جای بحث فراوانی دارد، اما در مجموع می‌توان ادعا کرد که این گونهٔ ادبی به سیر صعودی خود ادامه داده است و همین واکنش‌ها و واکنش‌های هیجانی می‌تواند در تقویت هرچه بیشتر پایه‌های آن مؤثر باشد [۸، ص ۶۱].

نویسندگان در دو دهه بعد از جنگ بیشتر به داستان کوتاه پرداختند و داستان بلند و رمان چندان رونقی نداشت [۶، ص ۱۶]. دلیل گرایش به داستان کوتاه پس از انقلاب و جنگ تحمیلی را می‌توان چنین دانست: «سانسور، دلایل اقتصادی به این معنی که کشور گرفتار مشکلات اقتصادی به‌واسطهٔ انقلاب و جنگ و تحریم‌ها است. به‌این ترتیب، داستان کوتاه که زمان و حجم کمتری را می‌طلبد به‌لحاظ اقتصادی مقرون‌به‌صرفه است. همچنین، افزایش تعداد مجلات ادبی به دلیل استقرار و ثبات سیاسی مدتی پس از

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انقلاب سبب می‌شود گرایش به نوشتن داستان‌های کوتاه و چاپ آن در نشریه‌ها افزایش می‌یابد. البته رمان پس از ده سال با قدرت بیشتری باز می‌گردد» [۴، صص ۲۶-۲۷]. گفتنی است که از دوران مشروطه تا به امروز تغییرات چشمگیری هم در فرم و هم محتوای آثار داستانی فارسی مشاهده می‌شود که هنوز جای مطالعه دارد و تا حد زیادی تحقیقات در این حوزه مغفول مانده است. البته برخی مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی در این خصوص به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند، اما تحقیقات در حوزهٔ شعر پایداری با توجه به سابقهٔ شعر در فرهنگ و ادب فارسی بیشتر از نثر است.

۴. تاریخچهٔ ادبیات پایداری در روسیه

تاریخ ادبیات جنگ در روسیه ریشه در عهد باستان و روزگاری دارد که این سرزمین را روس^۱ می‌نامیدند. آن دوران که آغازین دولت روس مجبور بود برای حفظ اراضی خود به‌طور مدام با دشمنان خارجی بجنگد. بنابراین، می‌توان گفت که تاریخ ادبیات جنگ در روسیه عمری برابر با تاریخ ادبیات این کشور از زمان ظهور خط و نوشتار و به‌ویژه آثاری موسوم به سالنامه‌ها^۲ دارد. سالنامه‌ها نوعی ژانر یا گونهٔ ادبی در ادبیات روسیهٔ باستان بودند که نویسندگان آنها معمولاً بی‌نام‌ونشان بوده و بسیاری از آنها نیز در گذر زمان و در هنگامهٔ جنگ‌ها نابود شده‌اند. در این آثار حوادث تاریخی و اجتماعی آن زمان دربارهٔ شکل‌گیری دولت روس، ایجاد شهرها، ساخت صومعه‌ها و کلیساهای، افراد سرشناس مانند خان‌ها، کنیاس‌ها و قدیسان، لشگرکشی‌ها، نبردها و مانند آنها به‌طور مفصل توصیف می‌شده‌اند و از این روی، می‌توان نام «تاریخ‌نگاری» هم بر این آثار نهاد. این ژانر ادبی تقریباً در قرن ششم بعد از میلاد در شهر کیف پدید آمد و خیلی زود به محفلی برای نمایاندن شرح نبردها و دلاوری‌های ملت روس تبدیل شد. آثار اندکی از آن دوران به روسیهٔ امروز رسیده است که از میان آنها دو نمونه شهرت بیشتری دارند: اثر تاریخی «داستان سال‌های دور» در اوایل قرن دوازدهم و اثر تاریخی-حماسی «سخنی دربارهٔ هنگ ایگور» در اواخر قرن دوازدهم. علاوه بر این دو اثر، از میان حدود پنج هزار میراث ادبی برجای مانده از دوران ادبیات باستان روسی، آثار حماسی مانند «افسانهٔ نبرد مامایف»، «آن سوی دُن» و «داستان ویرانی ریازان به‌دست باتوخان» و مانند آنها را می‌توان نام برد که وصف نبرد مردمان روس و جنگجویان و پهلوانان افسانه‌ای روسی با قبایل مهاجم مانند پولوتسی‌ها، خزرها، پچنگی‌ها، تاتارها و مغول‌ها در آنها آمده است. آثاری که شخصیت‌ها، درون‌مایه و مضمون آنها تا به امروز در ادبیات عصر حاضر نیز به‌چشم می‌خورد [29: 202].

در اوایل قرن سیزدهم میلادی مغولان به سرکردگی تیموچین (چنگیزخان) به سرزمین روس تاختند. در دوران باتوخان، نوهٔ چنگیزخان مغول، سرزمین روس رسماً تحت یوغ مغولان درآمد. طی این سال‌ها، نبردهای متعددی بین سپاهیان روس و مغولان در گرفت که شرح بسیاری از آنان از جمله نبرد مشهور کولیکوف در ادبیات آن روزگار بازتاب یافته است. ملت روس مجبور شد «بیش از دو قرن و نیم در مقابل مهاجمان و غارتگران مغول ایستادگی کند [3: 26] و از همین رو موضوع میهن‌پرستی و دفاع از میهن جایگاه ویژه‌ای در ادبیات کهن روسی دارد. این مرحله از ظهور مضامین جنگ و پایداری در ادبیات روسیه تا قرن‌ها ادامه می‌یابد. طی این قرن‌ها، اغلب جنگ‌ها برای دفاع از میهن و حفظ مرزهای سرزمین روس و جان ملت روس درمی‌گرفته است و

¹ Русь (Russ).

² летопись (letopis).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آثار حماسی این دوران هم اغلب به شرح دلاوری‌ها و رشادتهای مبارزان روس می‌پرداخته‌اند. البته زبان این آثار بسیار سخت است و پژوهشگران این حوزه کوشیده‌اند تا آنها را به زبان امروزی روسی بازنویسی کنند. ادبیات کهن روسی راه درازی را پیمود تا بتواند به سرنوشت درخشانی در قرون آتی دست یابد. ادبیاتی که از خلال تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین روس، از ظهور خاندان روریک و افول آن، تا ظهور امپراتوری تزارها را به خود دیده و منعکس نموده است.

در قرن شانزدهم به دلیل علاقه ایوان مخوف به کتابخوانی، اوضاع فرهنگی نیز بهبود یافت. در دوران حکومت او سرزمین روس با دشمنان زیادی جنگید و علاوه بر دفاع از میهن، برخی از این نبردها جهت کشورگشائی بود. از جمله آثار مشهور این دوران عبارت‌اند از: «داستان سوختن شهر مسکو به دست توقتمش» (۱۵۸۲)، «مجارستان» (۱۴۸۰)، «داستان تصرف کازان» (۱۵۵۲) و بسیاری دیگر. موضوع جنگ در آثار قرن هفدهم نیز همچنان حضور دارد. داستان‌هایی درباره جنگ با دشمنان خارجی مانند لیتوانی و لتونی، لهستان، سوئد و غیره که بر وجود ژانر تاریخی-حماسی در ادبیات آن روزگار مهر تأیید می‌زند. این آثار بیش از همه به نگارش تاریخ روسیه کمک کرده‌اند تا اینکه بخواهند آثار ادبی را از حیث ساختار و محتوی ترقی دهند و از لحاظ ادبی به شدت کم‌مایه بودند.

نکته حائز اهمیت در اینجا این است که وطن‌پرستی یکی از مضامین اصلی مشترک در این آثار است، اما، این عشق به وطن، بیش از آنکه به سرزمین و دولت روس نسبت یابد، متمایل به دین و مذهب ارتدوکس است. در واقع، جنگجویان مؤمن برای مقابله با دشمنان کافر جان‌فشانی می‌کردند. چیزی که ما از قرن هجدهم به بعد در روسیه کمتر می‌بینیم. زیرا تفکر و دیدگاه ملت روس تغییر می‌یابد، بنابراین، برخی مفاهیم از جمله میهن‌پرستی نیز به‌گونه‌ای دیگر درک می‌شوند و در آثار بعد ظهور می‌یابند. در قرن هجدهم و رونق عقاید عصر روشنگری در روسیه، انجام اصلاحات پتر کبیر، گرایش زندگی و فرهنگ مردم روس به اروپا و ظهور طبقه اجتماعی جدیدی به نام دواریان‌ها (اشراف)، رونق فرهنگ در دوران کاترین کبیر و غیره شاهد رونق ادبیات روسی نیز هستیم. ادبیاتی که در قرن بعد، قرن نوزدهم، ظهور عصر طلایی ادبیات روسیه را رقم می‌زند.

قرن هجدهم در روسیه را می‌توان قرن شعر روسی و آثار منظوم دانست تا داستان یا آثار منثور. در این قرن در ادبیات کم‌کم ژانرهای جدیدی پدید می‌آیند. از جمله آثار روسی که به موضوع تاریخ و جنگ روسیه پرداخته‌اند، تراژدی «تامیرا و سلیم» نوشته میخائیل لامونوسوف (Михаил Ломоносов) در سال ۱۷۵۰ است. یکی دیگر از آثار مشهور این دوران درباره جنگ، نمایشنامه منظومی از گاوریل درژاوین (Гавриил Державин) شاعر و نویسنده بزرگ روس است. این اثر که «پاژارسکی یا آزادسازی مسکو» نام دارد در سال ۱۸۰۵ و سال‌های آغازین قرن نوزدهم به رشته تحریر درآمده است. کنیاس دمیتری پاژارسکی و تاجر کوزما مینین، قهرمانان ملی روسی بودند که در سال ۱۶۱۲ با رهبری نیروهای مردمی و به‌اصطلاح پارتیزانی یا چریکی توانستند شهر مسکو را بعد از دو سال از اشغال نیروهای مهاجم لهستانی و لیتوانیایی نجات دهند و مهر پایانی بر «دوران آشوب» (Смутное время) که پس از مرگ ایوان مخوف از راه رسیده بود، بزنند. دورانی که ۱۵ سال طول کشیده بود و ملت روس طی آن در رنج و عذاب و قحطی و فقر و بیماری به‌سر می‌بردند.

اما، ظهور مرحله بعد در ادبیات جنگ روسی را می‌توان به اوایل قرن نوزدهم و وقوع اولین جنگ کبیر میهنی در سال ۱۸۱۲، یعنی جنگ روسیه و فرانسه نسبت داد که وقایع و نتایج آن باب تازه‌ای را در ادبیات روسیه گشود. «نامه‌های افسر روس» (۱۸۲۱) و «داستان‌های نبرد بارادینو» (۱۸۳۹) نوشته فتودور گلینکا (Федор Глинка) و «یادداشت‌های عملیات‌های پارتیزانی» (۱۸۳۵) نوشته دنیس داویدوف (Денис Давыдов) از آثار مشهور این دوران هستند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

میخائیل نیکلایویچ زاگوسکین (Михаил Загоскин) نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس مشهور روس در نیمه اول قرن نوزدهم بود که در دهه سی این قرن با نگارش اولین رمان تاریخی روسی به نام «یوری میلانوفسکی یا روس‌ها در سال ۱۶۱۲» شهرتی چشمگیر به دست آورد و به همین دلیل، «والتر اسکات» روسی لقب گرفت. در این رمان وقایع واقعی از جنگ روسیه و لهستان از اواخر سال ۱۶۱۱ تا پایان ۱۶۱۲ به تصویر کشیده شده است. در دوران حیات نویسنده هشت بار تجدید چاپ شده و به شش زبان نیز ترجمه شده بود. این اثر ملی‌گرایی و میهن‌پرستی را در روسیه رواج داد و یگانه اثر زاگوسکین بود که در دوران شوروی اجازه چاپ داشت. این اثر زمینه‌ساز ظهور آثار متعددی در ژانر تاریخی در سال‌های آتی گردید.

یکی دیگر از آثار مشهور این دوران، رمان تاریخی «قصر یخی» (۱۸۳۵) درباره ملکه آنا ایوانوونا، برادرزاده پتر کبیر موسوم به «آنا روسیه» و از خاندان رومانوف‌ها بود. آنا بین سال‌های ۱۷۱۱ تا ۱۷۳۰ دوشس کورلند و از سال ۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰ تزار روسیه بود. در آن زمان کتاب‌های زیادی درباره این دوره از تاریخ روسیه موجود نبود و ایوان لاجچنیکاف (Иван Лажечников)، یکی دیگر از بنیانگذاران رمان تاریخی روسی، به تاسی از والتر اسکات با کنکاش و بررسی در مستندات تاریخی موجود، این اثر را نوشت که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. این اثر در کنار پووست یا داستان بلند «دختر کاپیتان» اثر آلساندر پوشکین (Александр Пушкин) و «تاراس بولبا» اثر نیکلای گوگول (Николай Гоголь) جزء بهترین رمان‌های جنگی دهه ۱۸۳۰ روسیه هستند. دهه‌ای که در آن، به سبب وقوع جنگ کبیر میهنی در ۱۸۱۲ روح ملی‌گرایی افزایش یافته و مضامین جنگی در ادبیات روسیه رواج یافته بود.

با این وجود، پرآوازه‌ترین رمان جنگی تاریخ ادبیات روسیه و بلکه تاریخ ادبیات جهان رمان چهارجلدی «جنگ و صلح» (۱۸۶۹) اثر لِف تالستوی (Лев Толстой) است. این اثر، نه تنها در ادبیات روسیه، بلکه در ادبیات جهان اثری بزرگ به‌شمار می‌رود و تاکنون به زبان‌های زیادی ترجمه شده است. تالستوی که خود در جوانی در قفقاز جنگیده بود و در دفاع از سواستاپول با پدیده‌ی جنگ آشنا بود، با جمع‌آوری هزاران سند و مدرک و گفتگو با بازماندگان جنگ ۱۸۱۲ بهترین رمان جنگی تاریخ ادبیات روسیه را نوشت. علاوه بر داشتن تجربه حضور در جبهه جنگ، تالستوی در اثر پیشین خود با نام «داستان‌های سواستاپول» درباره حضورش در جنگ کریمه صحبت کرده و بنابراین، تجربه نگارش اثری درباره جنگ و رشادت‌های سربازان را داشته است. منتقدان بر این باورند که تالستوی برای اولین بار در «داستان‌های سواستاپول» علاوه بر نشان دادن صحنه‌های جنگ، به احوالات درونی و روان‌شناختی قهرمانان توجه کرده است و از آن به بعد در آثار ادبیات جنگ روسی شاهد این رویکرد نیز هستیم و دیگر، آثار آفریده شده، صرف وقایع‌نگاری جنگ و خاطره‌نویسی‌ها نیستند و کم‌کم به سوی برخورداری از ساختار ادبی می‌روند.

کتاب «جنگ و صلح» در سال‌ها و حتی قرن بعد به‌عنوان الگویی جهت خلق آثار ادبیات جنگ از سوی نویسندگان روس بارها مورد استفاده قرار گرفت و بسیاری از نویسندگان روسی، به‌ویژه بعد از وقوع جنگ جهانی دوم کوشیدند تا اثری مشابه «جنگ و صلح» بیافرینند تا به کمک آن ملت روس را علیه فاشیست‌های اشغالگر تهییج کنند. گرچه اثر میخائیل شولوخف (Михаил Шолохов) یعنی رمان چهارجلدی «دُن آرام» او را که برایش جایزه ادبی نوبل را به ارمغان آورد، تا حدی شبیه «جنگ و صلح» و یک رمان حماسی می‌خوانند، نویسنده دیگری نتوانست به این عظمت دست یابد و البته بسیاری هنوز هم ادعا دارند که هیچ‌کس نتوانسته است در نبوغ نویسنده‌ی به پای تالستوی برسد. میخائیل شولوخف پس از جنگ داخلی روسیه با نگارش «داستان‌های دُن» و «کره اسب» با موضوع جنگ و بعدها رمان حماسی «دُن آرام» توانسته بود به شهرت دست یابد. وی آثار جنگی دیگری هم – البته بعد از وقوع جنگ جهانی دوم – مانند «آنها به خاطر میهن‌شان جنگیدند» و «سرنوشت انسان» نوشته است، اما هیچ‌کدام با «دُن آرام» برابری نمی‌کنند. نکته قابل ذکر در اینجا این است که شولوخف با نگارش داستان کوتاه «سرنوشت انسان» در سال

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱۹۵۶ توانست بار دیگر موضوع نمایش واقعیات و حقایق جنگ را به یکی از موضوعات مهم در ادبیات روسیه نیمه دوم قرن بیستم بدل سازد، موضوعی که بنا به مسائلی از قبیل ایدئولوژی حاکم از سوی شوروی و اعمال فشارها و سانسورها کمابیش مغفول مانده بود [347: 25].

در آغاز قرن بیستم نیز برخی نویسندگان متناسب با وضعیت آشفته موجود، در برهه پیش و پس از انقلاب اکتبر، دست به خلق آثاری زدند که موضوعاتی از قبیل جنگ روسیه و ژاپن در سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۵، جنگ جهانی اول در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۸، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، جنگ‌های داخلی در سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۲۲ و درنهایت، جنگ جهانی دوم و جنگ با آلمان نازی در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۱ در آنها انعکاس یافته‌اند. از میان این نویسندگان ماکسیم گورکی با اینکه سعی کرد آثاری درباره جنگ و پایداری بنویسد، اما، به دلیل دغدغه‌های ایدئولوژیکی خود و فعالیت در عرصه سیاست چندان موفق نبود. از دیگر نویسندگان هم‌نسل گورکی که دیدگاهی منفی نسبت به جنگ داشتند، می‌توان لئانید آندرییف (Леонид Андреев) را با داستان ضدجنگی «خنده سرخ» (۱۹۰۵) و یوگنی زامیاتین (Евгений Замятин) را با اثر «فردا» (۱۹۱۸) نام برد. همچنین، آلکسی رمیزوف (Алексей Ремизов) در رمان تاریخ‌نگارانه‌اش با نام «سرزمین آشفته روس» درباره وضعیت جنگ‌زده پتروگراد و روشنفکران روسی آن در سال‌های انقلاب ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ سخن رانده است. میخائیل بولگاکیف (Михаил Булгаков) هم در داستان‌ها و رمان‌های مختلف از جمله «ارتش سفید» به انقلاب اکتبر و پدیده جنگ‌های داخلی و بی‌رحمی‌های آن پرداخته است. مجموعه داستان «سواره‌نظام سرخ» اثر ایساک بابل (Исаак Бабель) و نوشته شده در سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۷ شامل ۳۸ داستان کوتاه درباره زندگی و وضعیت افراد نخستین دسته سواره‌نظام ارتش روسیه به فرماندهی سیمیون بودیننی (Семён Будённый) است که نویسنده خود در آن خدمت می‌کرده و درباره جنگ شوروی و لهستان است. بسیاری از منتقدان ادبی این اثر را نخستین اثر ارزشمند پس از انقلاب اکتبر قلمداد می‌کنند.

البته نباید این مسئله را از نظر دور داشت که نویسندگان روس با گذشت چندین دهه از قرن بیستم، به واسطه ایجاد خفقان و ترورها و فشارهای استالینی در دوران شوروی، قیدوبندهای سیاسی، تحمیل کیش استالینی و ایدئولوژی‌های حکومت کمونیستی، نظارت شدید حزب سوسیالیست حاکم بر ادبیات و بنگاه‌های نشر آثار ادبی، رواج ادبیات سفارشی و شعارزدگی آثار هنری و ادبی و عواملی از این دست، زمینه فعالیت نویسندگان خلاق تا حد زیادی از دست رفت و ادبیات روسیه علی‌رغم تلاش بسیار نتوانست نویسندگانی در سطح تالستوی، داستایفسکی، چخوف و مانند آنها را بیوراند. مرحله بعد در ادبیات جنگ روسیه مربوط به وقوع جنگ جهانی دوم در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ است که موج جدیدی از آثار مختلف در ژانرهای گوناگون و به‌ویژه رمان و داستان را وارد ادبیات جهان و به‌خصوص، روسیه کرده است.

ادبیات جنگ در روسیه با وقوع جنگ جهانی دوم بیش از دیگر دوران‌ها رونق گرفت و این واقعه تاریخی تأثیر عمیقی بر ظهور آثار ادبی متعددی هم به صورت نظم و هم نثر برجای گذاشت و زندگی مردمان روس را به دو بخش بزرگ تقسیم کرد: دوران پیش از جنگ و دوران پس از جنگ [18: 27]. مسلم است که «جنگ پیوسته معانی متضادی را تداعی می‌کند. جنگ از سویی، یعنی مرگ، نابودی، رنج، ترس و آوارگی و از سویی دیگر، یعنی شجاعت، فداکاری و دفاع از میهن. جنگ هم قهرمان می‌پرورد و هم خائن. قرن بیستم میلادی، قرن حوادث و تشنجات بزرگ و فراوانی در تاریخ روسیه به‌شمار می‌رود که پیروزی‌های بزرگ ادبی را نیز به همراه داشت. بعد از انقلاب اکتبر و جنگ جهانی دوم، نسل جدیدی از نویسندگان وارد عرصه ادبیات روسیه شدند. موضوع اصلی آثار این نویسندگان درک جدیدی از زندگی و همچنین توصیف حوادث جنگ و زندگی مردم شهر و روستا است. آثار این دوره به‌طور عمده درباره زندگی نسل قدیم و نوع ارتباط آنها با سرزمین آبا و اجدادی خود است و یا به تفاوت‌های اعتقادات آنها نسبت به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

افراد زمان زندگی این نویسندگان اشاره دارد. نویسندگان نسل نو تلاش کردند تا در آثار خود خصوصیات اخلاقی خاص روسی را برای نسل‌های آتی به تصویر بکشند» [۲۳، ص ۱۰۱]. در روسیه نیز مانند ایران شعر در دوران جنگ بیش از نثر مورد استقبال بود و ترانه‌سرایان و شاعران اشعارشان را با مضمون میهن‌پرستی و دلاوری و به قصد تهییج سربازان در جبهه نبرد روانه میدان جنگ می‌کردند. در آن دوران شور میهن‌پرستی و پایداری در برابر دشمن به قدری همه‌گیر بود که هر روز تعداد زیادی شعر و نامه شاعرانه و ترانه‌های خود سربازان با بن‌مایه پیروزی در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ می‌رسیدند. در میان اسامی ترانه‌سرایان مشهور آن روزها نام میخائیل ایساکوفسکی، واسیلی لیبیدف-کوماچ، آکسی سورگف، کانستانتین سیمونوف، اولگا برگولتس، یولیا درونینا، نیکلای تیخونف، مارگاریتا آلیگر، پاول کوگان، فسوالود باگریتسکی و آکساندر تواردوفسکی دیده می‌شود. نکته جالب‌توجه این است که بسیاری از نویسندگان و شاعران ادبیات جنگ روسیه خود در جبهه‌ها به‌عنوان خبرنگار یا عکاس جنگی و حتی فرماندهان و سربازان رسته‌ها و دسته‌های مختلف نظامی حضور داشته‌اند.

از مهم‌ترین ژانرهای شعر جنگ در ادب روسیه شعر غنایی یا لیریک شامل قصیده، مرثیه و ترانه؛ شعر هجوآمیز و غنایی-حماسی شامل بالاد^۳ و منظومه هستند. موضوع شعر و آثار منظوم از همان نخستین روزهای شروع جنگ به شدت تغییر کرد. کینه نسبت به دشمن و عشق به میهن، مدح و ستایش قهرمانی و دلاوری و فداکاری، استقامت و پایداری و ایمان به پیروزی تبدیل به مضامین پرتکرار آثار ادبی و به‌ویژه شعر شدند. همچنین نسل جدیدی از شاعران جوان ظهور کردند که بعدها تحت عنوان شاعران جبهه به شهرت زیادی دست یافتند، مانند میخائیل لوف، آکساندر مژروف، یولیا درونینا، باریس سلوتسکی، کانستانتین واشنکین، گریگوری پاژنیا، بولات آکولوا، نیکلای پانچکو و آنا آخمتووا.

آن روزها سطری از شعر مشهور آکساندر تواردوفسکی (Александр Твардовский) با نام «به پارتیزان‌های اسمولنسک» سرلوحه شعرائی دیگر شاعران شده بود: «برخیز، ای همه سرزمین تحقیرشده‌ام، پیش به سوی دشمن!»^۴. در کنار این مضامین، شاعران به گذشته اقتدارآمیز سرزمین روسیه نیز پرداختند و اشعاری مانند «سخنی درباره روسیه» از میخائیل ایساکوفسکی، «سرزمین روس» از دیمیان بدنی، «تفکر درباره روسیه» از دمیتری کدرین و «صحنه عظمت روس» از سرگئی واسیلیف پدید آمدند. در اشعار مختلف جنگ، حس میهن‌پرستی و فداکاری در کنار حس نوع‌دوستی و عشق به زادگاه و خانه قرار می‌گیرد، مانند شعر «میهن» از کانستانتین سیمونوف (Константин Симонов). از دیگر موضوعات مطرح‌شده در اشعار جنگ موضوع زنان و بهتر بگوییم شیرزانی است که علی‌رغم همه سختی‌ها در کنار مردان ایستادگی کردند و چه رنج‌هایی که در این راه نکشیدند، اما، هیچ‌گاه امید خود را از دست ندادند. زنان در اغلب شعرها و داستان‌های روسی نماد مام میهن و سرزمین نیز هستند.

عشق به میهن و سودای میهن‌پرستی در اشعار آنا آخمتووا (Анна Ахматова) به اوج می‌رسد. او در شعر «مردانگی» از سیماها و واژگانی استفاده می‌کند که همگی تجسم ایستادگی و پایداری ملت روس هستند. آخمتووا «با بیان زیبایی‌ها و لطایفی که شاید، در هنگام جنگ، از دیدگاه مردان پنهان می‌نمود، ادب سوگواری و مرثیه را در جامعه خویش رونق بخشید و چهره برجسته این نوع ادب در روسیه گردید... (او) مصداق و نمونه آن دست از شاعرانی است که پایداری در آثارشان نمود و جلوه خاصی یافته است» [۲۴، ص ۹۸-۹۹].

^۳ از ژانرهای ادبی نه‌چندان قدیمی در ادبیات روسیه که در قرن نوزدهم به‌همت واسیلی ژوکوفسکی، شاعر مشهور روس از ادبیات آلمانی وارد ادبیات روسی شد و داستانی منظوم با درون‌مایه اخلاقی و آموزنده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از آثار برجسته منظوم درباره جنگ و پایداری ملت روس منظومه مشهور آکساندر تواردوفسکی با نام «واسیلی تیورکین» است که در نوع خود اثری جامع و کامل درباره زندگی سربازان از جان گذشته روسی در جبهه‌ها و مراحل اصلی جنگ آلمان و روسیه است. در آن زمان بسیاری از سربازان روسی آرزو داشتند و می‌کوشیدند مانند واسیلی تیورکین باشند و این شخصیت خیالی به یک بت در دنیای واقعی تبدیل شده بود. باریس پاسترناک این منظومه را اثری بی‌نظیر در ادبیات جنگ برشمرده و معتقد است که تأثیر زیادی بر آثار او داشته است. از دیگر شاعران مشهور این دوران کنستانتین سیمونوف، آکسی سورکوف، بولات آکوجاوا، میخائیل ایساکوفسکی و یولیا درونینا بودند. بی‌شک جنگ تجربه غربی بود که همچنان تأثیر آن را در ادبیات روسی شاهد هستیم. در سال‌های پس از جنگ، از دهه‌های پنجاه به بعد نثر و ادبیات داستانی جایگاه ویژه‌ای در ادبیات روسیه می‌یابد، زیرا که سخن راندن از سرنوشت سربازان و بازماندگان جنگ و شرح خاطرات به زبان نثر ساده‌تر بود تا به زبان نظم.

اغلب آثار مهم ادبی در ژانرهای مختلف از جمله نثر داستانی در نیمه دوم قرن بیستم آفریده شدند. ادبیات روسی که پس از ظهور دولت کمونیستی شوراهای نام ادبیات شوروی را به خود گرفته بود، کم‌کم می‌رفت تا ادبیات جنگ خود را داشته باشد. بدین ترتیب، آثاری سرشار از موضوعات مختلف و عناصر رمانتیک و لیبریک و همچنین، نثر آهنگین و مملو از استعاره، ایجاز و سمبل رونق گرفت. درست است که آنچنان که پیش‌تر هم بدان پرداخته شد، موضوع جنگ و پایداری و دفاع از میهن در ادبیات روسیه از دیرباز و دوران باستان وجود داشته است، اما آنچه در این دوره جدید با آن روبه‌رو می‌شویم بسیار شگرف و عمیق است. گویا استالین چنان به عهدنامه صلح میان شوروی و آلمان تکیه کرده بود که اقدام آلمان برای حمله به شوروی را محال می‌دانست. شولوخف در رمان «آنها به خاطر میهن‌شان جنگیدند» و کانستانتین سیمونوف در تریلوژی مشهورش به نام «زندگان و مردگان» و برخی نویسندگان دیگر در آثار خود به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه سربازان شوروی در روزهای آغازین جنگ قادر به تیراندازی به سوی سربازان آلمانی نبودند، زیرا در دل نفرتی نسبت به آنها نداشتند. اما، کم‌کم با شدت گرفتن درگیری‌ها و تماشای مزارع و دشت‌های سوخته و دهکده‌های ویران‌شده، حس انتقام‌جویی در سربازان روس بیدار شد.

درواقع، اولین موج ادبیات منثور پیرامون جنگ، مانند اشعار این حوزه، در همان آغاز جنگ شکل گرفت. نویسندگانی که اغلب به‌عنوان خبرنگار جنگی در جبهه‌ها بودند، با استفاده از مناسب‌ترین ژانر ادبی ممکن در آن دوران، یعنی اوچرک یا وقایع‌نگاری دست به قلم شدند و آثاری خلق کردند که هدفشان تهییج سربازان روس به کسب پیروزی و قهرمان‌پروری و ایستادگی و مقاومت بود. دومین موج نثرنویسی پیرامون جنگ هم در سال‌های بعد از جنگ و به بیان دقیق‌تر، پس از مرگ استالین و سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۵۵ آغاز شد. ملت شوروی در شرایط سختی به سر می‌برد و دیگر تحمل دیوار آهنین را نداشت. از سویی نثر مستندگونه رواج یافته بود و بازماندگان جنگ به نوشتن خاطرات و مشاهدات خود از روزهای نبرد با دشمن فاشیست روی آورده بودند. برای نمونه، سرگئی سمیرنوف (Сергей Смирнов) وقایع‌نگاری‌ای با نام «قلعه برسک» را در سال ۱۹۵۴ نوشت که آغازی بر نگارش آثاری در ژانر مستندنویسی درباره این قلعه و نبردهای درگرفته در آن شد و تا ده سال ادامه پیدا کرد.

در ادامه، در نیمه دوم دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آثار متعددی منتشر می‌شوند که با عنوان «نثر ستوان‌نگاشت»^۴ معروف شده و آغازگر این جریان را ویکتور نکراسف (Виктор Некрасов) با داستان بلند «در سنگرهای استالین‌گرا» می‌دانند [464: 31]. آثاری که به‌همت نویسندگانی خلق شدند که خود در میانه کارزار جنگ و از سربازان رده‌پایین بودند؛ داستان‌هایی واقعی از درون سنگرها، از گودال‌ها و میدان نبرد؛ به‌همراه همه کشمکش‌ها، ترس‌ها، فجایع هولناک و گاه نفرت‌انگیز از صحنه‌های کشتار و

^۴ «Лейтенантская проза»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فرمانروایی مرگ. این بار نه با استناد به اسناد و مدارک و تصاویر، که از زبان سربازان و ستوان‌های ساده حوادث واقعی نقل شده و دلاوری‌ها و شوروشوق فراوان و وطن‌پرستی سربازان دلیر روس به زبانی ساده و بی‌آلایش شرح داده می‌شوند. از جمله نمایندگان اصلی این جریان و اصطلاحاً نویسندگان جبهه‌رفته می‌توان به کانستانتین وارابویوف (Константин Воробьев)، باریس واسیلیف (Борис Васильев)، واسیلی بیکاف (Василий Быков)، یوری بوندارف (Юрий Бондарев) و گریگوری باکلانوف (Григорий Бакланов) اشاره کرد.

به‌طور کلی، یکی از ویژگی‌های بارز موج دوم نثر جنگ، نمایاندن جزئیات بیشتر از وقایع و شخصیت‌های رئال و توجه به جنبه روانشناختی آثار بود. انسان و سرگذشت او در بستر تاریخ در درجه اول اهمیت قرار داشت. روبرویی انسان‌ها با پدیده شوم جنگ و جان‌فشانی‌ها در راه آزادی و حفظ میهن با صلابت تمام به‌تصویر کشیده می‌شد. ادبیات جنگ این دوره را در سه دسته دسته‌بندی می‌کنند: دسته اول، آثاری که هم مستندگونه هستند و هم جنبه ادبی و هنری دارند و هدف از نگارش آنها نشان‌دادن حوادث تاریخی و قهرمانی‌های افراد واقعی بود؛ دسته دوم، که در زمره آثار حماسی-قهرمانی می‌توان آنها را قرار داد و هدف از نگارش آنها، بیان دلیری‌ها و ازخودگذشتگی‌های ملت روس و نشان‌دادن موج عظیم وطن‌پرستی در دوران جنگ بود؛ دسته سوم، که پیرو سنت ادبی تالستوی، آن‌چهره پلیدی از جنگ را نشان می‌داد که از درون انسان‌ها روایت می‌شد و خیانت‌ها و نامردی‌ها و زیرپا گذاشتن انسانیت را به‌تصویر می‌کشید. این دوران، زمان اوج نثر جنگ بود. داستان «سرنوشت انسان» نوشته میخائیل شولوخوف که در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ منتشر شد، نقطه اوج آثار ادبیات جنگ در این سال‌ها بود و تأثیر زیادی در تغییر ماهیت آثار موج دوم جنگ داشت. از نویسندگان نامدار این دوران می‌توان به گرانبین، آداموویچ، سیمونوف، گروسمان، ارنبورگ، پلاتونوف، فادیف، پالیووی، واسیلیف، آنا کاروایوا و غیره اشاره کرد.

هر چه پیش‌تر می‌رویم، در سال‌های پس از جنگ و دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم، شاهد خلق آثار بی‌شماری با موضوع جنگ هستیم. دورانی که رمان تاریخی جای داستان بلند را می‌گیرد و بیش از همه شاهد ظهور خاطره‌نگاری‌های فرماندهان جنگ هستیم... مردم می‌خواهند تا تلاش‌های سربازان میهن‌شان برای رسیدن به پیروزی در کنار جان‌فشانی‌ها و حفظ شرافت سربازان و فرماندهان در رئالیسمی راستین به‌تصویر کشیده شود [28: 335]. در میان نویسندگان جوانی که دیگر ورای توصیف میدان نبرد و دلاوری‌های سربازان به بیان ویژگی‌های اخلاقی و روانشناسانه قهرمانان خویش می‌پرداختند، نام یوری بوندارف می‌درخشد. نامی که با «نثر ستوان‌نگاشت» درآمیخته است، چرا که بوندارف خود به‌عنوان توپچی و فرمانده ضدتانک در دوران جنگ توانست آثاری بیافریند که از همان آغاز دوران «ذوب شدن یخ‌ها»^۵ (оттепель) توجه بسیاری از خوانندگان را به خود جلب کرد. وی با انتشار داستان‌های بلند «گردان‌ها آتش می‌خواهند» (۱۹۵۷) و «آخرین شلیک آتش‌بارها» (۱۹۵۹) به شهرت رسید. در این آثار «تجربه شخصی نویسنده از حضورش در جبهه جنگ و زمانی که به‌عنوان فرمانده توپخانه خدمت می‌کرد، به‌تصویر کشیده شده است. آنچه از واقعیات جنگ در این داستان‌ها روایت شده انسان را به دیدن عمق حقیقت راستین زندگی فرا می‌خواند. نویسنده با مهارتی بی‌مانند مسئله خیر و شر، معنا و مفهوم زندگی و مسئولیت در قبال دیگر انسان‌ها را مطرح می‌سازد» [31: 466]. رمان مشهور دیگر او «برف داغ» (۱۹۶۹) با جریان غالب ادبیات جنگ در دهه هفتاد همراه بود. در آن دهه آثار جنگ روزه‌روز فجایع غم‌بارتری را

^۵ دوران آتپیل یا ذوب شدن یخ‌ها در زمان نیکیتا خروشوف و به مدت سه سال طول کشید. دورانی که پس از جنایت‌ها و سرکوب‌های استالین فرا رسیده و برای مدتی کوتاه خروشوف با نگاهی اصطلاح‌طلبانه کوشید دیوار آهنین را کمی شکسته و با جهان گفتگو کند. در این زمان سانسورها و رفتارهای خصومت‌آمیز با نویسندگان و شاعران تا حد زیادی کاهش یافته بود. رمان مشهور ایلیا ارنبورگ با نام «آتپیل» به‌همت مژگان صمدی به فارسی برگردانده شده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به تصویر می کشیدند. از دهه هفتاد به بعد در آثار بوندارف موضوعاتی همیشگی تکرار می شوند: روابط تراژیک میان زنان و مردان، مرگ و زندگی، هستی و نیستی. این موضوعات به روشنی در تترالوژی (چهارگانه) وی با عناوین «ساحل» (۱۹۷۵)، «انتخاب» (۱۹۸۰)، «بازی» (۱۹۸۵) و «اغوا» (۱۹۹۱) دیده می شوند. در هر چهار رمان فضای اجتماعی دوران جنگ با سال های بعد آن در دهه های هفتاد و نود درآمیخته است: دوران جنگ و دوران صلح، دوران قهرمانی ها و دوران دور از قهرمانی ها. نویسندگان مشهور دیگری هم در این دوره به خلق آثاری با موضوع جنگ می پرداختند از جمله آکساندر سالتزنیستین (Александр Солженицын) که البته بیشتر آثار غیرجنگی او در جهان و به ویژه ایران شهرت دارند. او نیز آثاری درباره جنگ نوشته است از جمله «اوت ۱۹۱۴» که در سال ۱۹۷۰ نگارش آن به پایان رسید و یک سال بعد منتشر شد. این اثر اولین کتاب از مجموعه حماسی چهارجلدی «چرخ سرخ» بود که موضوع اصلی آن نبرد تاننبرگ بین امپراتوری روسیه و امپراتوری آلمان در نخستین روزهای جنگ جهانی اول است و نویسنده در ورای پرداختن به این نبرد و تحلیل آن، وضعیت امپراتوری روسیه را در سال های پایانی حیاتش همراه با سرنوشت نیکلای دوم به تصویر می کشد.

شاید بتوان آثار ویکتور آستافیف (Виктор Астафьев) را در دهه ۹۰ قرن بیستم حسن ختام آثار ادبی روسی پیرامون جنگ برشمرد. او که خود دوران جنگ را پشت سر گذاشته و رابطه عمیقی با آن داشت، جنگ را پدیده ای دهشتناک و ضدبشری می دانست که جایی در میان مفاهیم الهی و انسانی ندارد. او سیمای زشت و پلید جنگ را در آخرین رمان خود با نام «نفرین شدگان و کشتگان» (۱۹۹۰-۱۹۹۴)؛ در داستان های بلندش «دلیم این گونه زندگی ای می خواهد» (۱۹۹۵) و «سرباز شاد» (۱۹۹۸) با مهارت خاص خود به تصویر کشیده است. اینکه چقدر افراد بیگناه به خاطر سیاست های دو کشور کشته می شوند و آرزوهای خود را به گور می برند. با خلق این آثار در ادبیات جنگ دهه ۹۰ گویی این جریان دچار تسلسل شده و دوباره به روزگار خلق حماسه «زندگی و سرنوشت» واسیلی گروسمن (Василий Гроссман) بازگشته که در آن هم همین مضمون بیان شده است. شاید اشاره به این موضوع هم جالب توجه باشد که در میان آثار مربوط به حوزه جنگ در ادبیات روسیه علاوه بر «جنگ و صلح» اثر ل ف تالستوی و «دُن آرام» و «سرنوشت انسان» از میخائیل شولوخف، «ارتش سفید» از میخائیل بولگاکوف، آثار مربوط به ایام بعد از جنگ جهانی دوم نیز به زبان فارسی ترجمه شده اند که از آن جمله می توان به «روزها و شبها»، «زندگان و مردگان» و «آنها سرباز زاده نشده اند» از کنستانتین سیمونوف، «زندگی و سرنوشت» اثر واسیلی گروسمن، «یک روز از زندگی ایوان دنیسوویچ» و «مجمع الجزایر گولاک» نوشته آکساندر سالتزنیستین، «داستان های کالیم» از وارلام شلاموف، «ویرانی» و «گارد جوان» اثر آکساندر فادیف، «روسلان وفادار» اثر گئورگی ولادیموف [228-226: 30] و «جنگ چهره زانه ندارد» نوشته سوتلانا آکسیویچ اشاره کرد. البته گفتنی است که برخی از آثار فارسی ادبیات دفاع مقدس مانند «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» از احمد دهقان، «شطرنج با ماشین قیامت» و «مجموعه داستان شهر جنگی» نوشته حبیب احمدزاده، «من زنده ام» اثر معصومه آباد، «دختر سینا» و «گلستان یازدهم» از بهناز ضرابی زاده، «دا» خاطرات سیده زهرا حسینی و به کوشش اعظم حسینی، «فرنکیس» نوشته مهناز فتاحی، «ناهید» اثر شهریار زمانی، «لشکر خویان» نوشته معصومه سپهری و «آب هرگز نمی میرد» از حمید حسام در سال های اخیر به زبان روسی ترجمه شده اند و در اختیار خوانندگان روسی قرار گرفته اند که گامی مهم در راستای شناخت ادبیات جنگ و دفاع مقدس ما در روسیه به شمار می رود. شواهد و بررسی ها نشان می دهد که در سال های اخیر در روسیه جریان خاطره نویسی های جنگ دوباره رونق گرفته است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به دستاوردهای پژوهش حاضر می‌توان گفت که ادبیات پایداری در هر دو کشور ایران و روسیه ریشه در ادبیات کهن آنها دارد و ابتدا در آثار حماسی و کلاسیک نمود یافته و کم‌کم با گذشت زمان و رسیدن به عصر حاضر به شکل کنونی درآمد است. موضوع این آثار همواره حول محور جنگ و مقاومت و دفاع از میهن و نمایش رشادت‌ها و دلاوری‌ها بوده است. وقوع انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با عراق در ایران و جنگ کبیر میهنی ۱۸۱۲ با فرانسه و جنگ جهانی دوم با آلمان، بیشترین تأثیر را بر روند گسترش ادبیات پایداری و حتی مضامین و مؤلفه‌های آن داشته‌اند. البته در روسیه وقوع انقلاب اکتبر و به‌دنبال آن، جنگ‌های داخلی، جنگ میان سرخ‌ها و سفیدها، نیز تا حدی جریان ادبیات جنگ را تحت تأثیر قرار داده است. این وقایع تاریخی هر یک موجب ایجاد موج جدید و جریانی تازه در شعر و نثر پایداری در هر دو کشور شده‌اند. در خصوص ادبیات پایداری، براساس گفته‌ها، دریافتیم که «پایداری» اگرچه یک مفهوم ساده به‌نظر می‌رسد، اما زیرمجموعه‌ها و دایره شمولی بسیار گسترده‌ای دارد و برای شناخت آثار پایداری باید آنها را در دوره تاریخی مخصوص خود در هر کشور مورد بررسی قرار دهیم.

از وجوه اشتراک ادبیات جنگ و پایداری در ایران و روسیه می‌توان به ظهور آثار با درون‌مایه‌های متفاوت و در ژانرهای مختلف ادبی در دوران پیش از جنگ، هنگامه جنگ و دوران پس از جنگ اشاره کرد. ادبیات جنگ در هر دو کشور بیش از هر چیز بازتاب دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های سربازان در دفاع از مرزهای میهن بوده و به ستایش سرزمین و وطن، ترسیم جنایت‌های دشمن متجاوز، طرح افتخارات گذشته، دعوت مردم به مبارزه و القای امید به آینده و پیروزی موعود، ستایش جان‌باختگان و بازماندگان جنگ و درنهایت، دعوت به تلاش برای ادامه زندگی با وجود مشکلات ناشی از جنگ و پیامدهای شوم آن می‌پردازد. همچنین، اغلب نویسندگان آثار ادبیات پایداری در هر دو کشور اغلب یا خود در جبهه و سنگرها به‌عنوان فرمانده، سرباز یا خبرنگار و عکاس جنگی حضور داشته‌اند، یا اینکه از شاهدان جنگ بوده یا با بازماندگان جنگ به گفتگو نشست‌اند. خاطره‌نویسی‌های جنگ به‌همت شاهدان عینی و نویسندگان غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای از دیگر نقاط اشتراک ادب پایداری ایران و روسیه است. آثار ادب پایداری در هر دو کشور در ابتدای مسیر خویش معمولاً به‌لحاظ ادبی کم‌مایه بوده و به دور از فنون نویسندگی، بیشتر به شرح حوادث پرداخته‌اند، اما، رفته‌رفته به‌ویژه در روسیه فنون داستان‌نویسی وارد آثار شده و توصیف صرف وقایع با نقب زدن به دنیای درونی قهرمانان برجسته روانشناختی آثار افزوده است. علاوه بر آنچه گفته شد، در روسیه نیز مانند ایران شعر در دوران جنگ بیش از نثر مورد استقبال بوده و ترانه‌سرایان و شاعران اشعارشان را با مضمون میهن‌پرستی و دلاوری و به قصد تهییج سربازان در جبهه نبرد روانه میدان جنگ می‌کردند. نمایندگان ادبیات دفاع مقدس در ایران و ادبیات جنگ در روسیه کوشیده‌اند تا چهره زشت و پلید جنگ و پیامدهای شوم و وحشتناک آن را به‌تصویر بکشند و از موضع نفی جنگ به‌عنوان پدیده‌ای ناهنجار و خانمان‌برانداز در زندگی بشر به آن بنگرند.

از سویی، تفاوت در زمان، مکان، فرهنگ، پشتوانه تاریخی و دینی و غیره سبب گردیده تا ادبیات پایداری ایران تفاوت‌هایی با ادبیات پایداری دیگر ملت‌ها از جمله روسیه داشته باشد. در دیگر سرزمین‌ها اغلب بر میهن‌پرستی تأکید می‌شود، مانند میهن‌پرستی ویتنامی در ادبیات پایداری ویتنام؛ یا تأکید بر تاریخ و روح تمدن فرانسوی در ادبیات پایداری این کشور؛ ادبیات جنگ در روسیه نیز بیشتر بر انسان روسی و سرزمین روسیه و پاسداری از آن تأکید دارد. اما، در ایران علاوه بر وطن‌پرستی، دین و مذهب تکیه‌گاه اصلی است. به‌بیان دیگر، در ادبیات پایداری ایران بیشتر به مظاهر درونی توجه می‌شود و در ادبیات سایر ملت‌ها بیشتر به مظاهر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بیرونی. همچنین، یاد شهیدان و پاسداشت آرمان‌هایشان و حسرت شهادت بر دل، از دیگر عناوین پرتکرار در آثار پایداری فارسی است که باز تکیه بر باورهای دینی و اعتقادی ایرانیان دارد و در ادبیات جنگ روسی چندان دیده نمی‌شود. آن‌گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد ادبیات جنگ روسیه در قالب رمان‌ها و آثار نویسندگان بزرگ خود مانند تالستوی، شولوخوف، بولگاکف و غیره توانسته است در جهان تا حد زیادی شناخته شود و ویژگی‌های منحصر به فرد خویش را به نمایش بگذارد؛ در حالی که در ایران، با گذشت حدود چهل سال از آغاز جنگ تحمیلی، ادبیات پایداری ایران هنوز نتوانسته است در سطح ادبیات جهان مطرح شده و جایگاهی بیابد و از سویی دیگر، در داخل ایران هم موفق به جذب مخاطبانی جدی برای خود نشده است. عده کثیری از خوانندگان ایرانی، بسیاری از آثار ادبیات پایداری را نخوانده و نمی‌شناسند و حتی نمی‌دانند کدامیک از آثار هنری یا سینمایی از این ادبیات اقتباس شده است. درست است که ما در فرهنگ مطالعه در کشورمان دچار بحران عمومی هستیم، اما انتظار می‌رود در این زمینه یعنی ادبیات جنگ و پایداری که در دوره‌های تأثیر زیادی بر زندگی آحاد افراد جامعه گذاشته است، کمی مخاطب بیشتری ببینیم. همچنین ضعف محتوایی و نوآورانه در آثار مربوط به ادبیات مقاومت، ورود نویسندگان غیر حرفه‌ای و کم‌مایه، سوءاستفاده از عناوین مربوط به این حوزه برای کسب منافع مادی، سفارشی شدن آثار و مواردی نظیر آن از غنای این ادبیات کاسته و آن را با بحران مواجه ساخته است. در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود ترجمه‌هایی از آثار ادبیات پایداری ایران و روسیه در هر دو کشور، به همان میزان که ادبیات فارسی در حوزه پایداری و جنگ برای خوانندگان روسی ناآشناست، ادبیات جنگ روسی نیز برای خوانندگان ایرانی غریب می‌نماید و هنوز راه درازی در این حوزه و شناساندن آن در پیش است.

۶. مراجع

۱. آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما (۱۵۰ سال ادبیات ایران). جلد دوم. انتشارات زوآر، تهران، ۱۳۷۵
۲. اسماعیل زاده، محمد، جایگاه رمان در ادبیات انقلاب اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳
۳. بصیری، محمدصادق، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ۱۳۸۸
۴. تندرو صالح، شاهرخ، پیرامون ادبیات داستانی معاصر ایران (در گفتگو با کریستف بالایی)، نقاب نقد (چپستی نقد در ایران)، انتشارات چشمه، تهران، ۱۳۸۷، صفحات ۱۹-۵۵
۵. چهرقانی، رضا، ادبیات پایداری در ایران: بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، مجله ادبیات پارسی معاصر، سال هفتم، شماره دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶، صفحات ۱-۳۳.
۶. حسن بیگی، ابراهیم، جنگ و رمان‌هایش (معرفی، خلاصه و تحلیل کوتاه ۵۴ رمان دفاع مقدس)، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۹۲
۷. حنیف، محمد، مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان، انتشارات بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۳
۸. حنیف، محمد و حنیف، محسن؛ کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۸

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۹. دارابی، شکوفه، مضمون جنگ در اشعار قیصر امین پور، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال دوازدهم، شماره ۳۸، ۱۳۹۵، صفحات ۱۱۷-۱۳۲
۱۰. سرشار، محمدرضا، منظری از ادبیات داستانی پس از انقلاب، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۵
۱۱. سلیمانی، بلقیس، تفنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان‌های جنگ)، انتشارات روزگار، تهران، ۱۳۸۱
۱۲. سنگری، محمدرضا، ادبیات پایداری (مقاومت)، فصلنامه پژوهش، سال نهم، شماره ۹، ۱۳۷۷، صفحات ۴۵-۶۰
۱۳. سنگری، محمدرضا، ادبیات پایداری، مجله شعر، شماره ۳۹، ۱۳۸۳، صفحات ۴۵-۵۳
۱۴. صنعتی، محمدحسین، آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، بنیاد آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۹
۱۵. عالی عباس‌آباد، یوسف، جریان‌شناسی شعر معاصر، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۱
۱۶. کاکایی، عبدالجبار، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، چاپ دوم، انتشارات پالیزان، تهران، ۱۳۸۵
۱۷. کوثری، مسعود، تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۷۹
۱۸. میرعابدینی، حسن، صد سال داستان‌نویسی ایران، جلد ۳ و ۴، انتشارات چشمه، تهران، ۱۳۸۶
۱۹. نجفی، محمدرضا، آسیب‌شناسی تطبیقی ادبیات پایداری ایران و آلمان، مجله کتاب ماه و ادبیات، شماره ۱۷۲، ۱۳۹۱، صفحات ۱۰۵-۱۱۵
۲۰. ولی‌پور رزمی، سید حسن، هویت ملی و دفاع مقدس، فصلنامه مطالعات علمی، شماره ۳، سال ۶، ۱۳۸۴، صفحات ۴۴-۶۱
۲۱. یاحقی، جعفر، جویبار لحظه‌ها، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۷۸
۲۲. یارشاطر، احسان، انقلاب مشروطیت (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا)، ترجمه پیمان متین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲
۲۳. یحیی‌پور، مرضیه، بررسی موضوع جنگ و پیامدهای آن در داستان سرنوشت انسان اثر میخائیل شولوخوف، مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۳۸، ۱۳۸۶، صفحات ۹۹-۱۰۸
۲۴. یحیی‌پور، مرضیه و زینب صادقی سهل‌آباد و جان‌الله کریمی مطهر، طنین وطن در اشعار آنا آخمتووا (بررسی و تحلیل منظومه «رکوییم»)، مجله پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوازدهم، شماره اول، ۱۳۹۱، صفحات ۹۷-۱۱۶
25. Акимов В.М., *От Блока до Солженицына: Путеводитель по русской литературе XX века*. Санкт-Петербург: «Искусство-СПБ», 2011.
26. Дмитриев Л.А., *За Землю Русскую // Воинские повести Древней Руси / Вступ. Статья Л.А. Дмитриева. Сост. Н.А. Поньрко. – Л.: Лениздат, 1985, С. 3-17.*
27. Ланицков А.П., *Славься, Отечество (Родина в творчестве русских советских поэтов)*. М.: Знание, 1978.
28. Леонов Б.А., *Русская литература о великой отечественной войне: Очерк пережитого дважды*. М.: Литературный институт им. А.М. Горького, 2010.
29. Руднева И.С., *Образ русского воина в древнерусской литературе // Вестник Брянского государственного университета, 2016, С. 196-202.*
30. Санаи, Наргес, *Русская литература XX века и ее распространение в Иране (литература о войне) // Материалы XX Шешуковских чтений «Отечественная словесность о войне. Проблема национального сознания». К 70-летию Победы в Великой Отечественной войне. Москва: МПГУ, 2015, С. 219-228.*
31. Циндидис И.А., Маслова Е.В., *Литература (Русская литература XX-XXI вв.): учебное пособие*. Ташкент: Национальная библиотека Узбекистана им. А. Навои, 2016.